

شماره

تاریخ می آموزد

در همین سالگرد سی خرداد فرا رسید . اهمیت این روز تاریخی و تحسین و تحسولات مگر آنی که پس از آن در وضعیت سیاسی جامعه صورت گرفت ، مارا بر آن میدارد تا با بررسی عمیق شرایط و ارزیابی از مجموعه عوامل منجر به تحقق این دوران پر تجارب خودپیش پیروزانم و نقش واقعی خود را در پیشبرد آینده حرکت انقلاب بشناسیم .

سی ام خرداد در شرایط های پس از آن - بیشتر از این نظر اهمیت دارد که هنوز در ای وقایع اینطورند اینک پدید ناگهانی ارزیابی میشوند و اثر امر حاصل شتابزدگی خرد و بیروانی بیاید و نشود عمل انارشیمیستی ، یلانگیمیستی اشهاد کنند . نشود عملی گسه فاشیسم را تقویت میکند ، جمع خفقان و سرکوب را شدت می بخشد ، روحیه کارگران را - خراب میکند ، پشتیبانی وسیع مردم را از آنها سلب میسازد ،

پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به رفتای کمیته مرکزی

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)

و اتحاد مبارزان کمونیست در صفحه ۳

**بانک
اسلامی**

کلاه شرعی برای جذب سرمایه ها

در جهت رهائی از رکود تولید

سرانجام راه حذف ربا و بیشتر بگوئیم ، آن کلاه شرعی مطلوب رایانته و اکنون میتواند بر اساس توانمندی اقتصادی اسلام و طرح اسلامی بانکه آری بدون بهره ، به توسعه و گسترش صنعت و تجارت کشور برود و از هر جنبه اساس هم بانکه بر خلاف گذشته که معاملات آنها منحصر به پرداخت وام و اعتبار با بهره بود ، از این بقیه در صفحه ۵

هیاهوی چهار ساله رژیم در اسلامی کردن زبانکهای با اصطلاح علی شده ، حذف بهره و ربا ، و افزایش های مخصوص " حرام " بودن ربا خوراری که رژیم آنرا مترادف با استثمار و حتی بدتر از استثمار چینه میدهد ، بالاخره پس از مباحثات طولانی به تصویب لایحه " سهم جدید باقی بدون بهره " منجر شد که بر اساس آن رژیم مدعی شده که

ریشه های طبقاتی سوسیال دفرمیسم حزب توده (۳)

پایگاه طبقاتی حزب توده

سرمایه داری در معدود ای حضور داشته و عمل می کنند که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید وجود داشته باشد در آن حوزه هایی که مالکیت دولتی تحت مالکیت پرزوازی - وجود دارد بقیه در صفحه ۷

در بخشهای پیشین بار بدگاه حزب توده در ملاحظاتی سرمایه سرمایه داری و نیز فاشیسم میوط به گذار جامعه ایران به سوسیالیسم اشتباه هم در بدیهه که از نظر " حزب " اولاً رابطه سرمایه و دیگر فاشیسم

در این شماره

یادداشت های سیاسی در صفحه ۱۸

مبارزات و فعالیت های انقلابی رفا و هواداران سازمان در خارج از کشور در صفحه ۱۳

اخبار جنبش در صفحه ۱۳

جاودان باد خاطر شهدای بخون خفته خلق در صفحه ۱۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(کمیته خارج از کشور)

به جبهه فارابونند و مارتیی در صفحه ۴

کمیته های مخفی اعصاب را برای برپائی یک اعصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

تاریخ ...

بقیه از صفحه ۱

تشکلات انقلابی جنبش را از هم می پاشد و به انقلاب زبان می رساند! برخی نیز سازمان مارشالیست می کنند که بسیار استن تاکیهای میلحانه و طرح تشکیلاتی جوخه های رزمی در آن مقطع، دنبال رو حوادث شد و از انجام وظایف اساسی خود بازمانده است.

اینکه سازمان معاهد بین خلق با گرایشات بورژوا فرمیستی و اتحاد تاکیهای انحرافی و اقدام سرنگونی حاکمیت بشیوه پلانکیستی ضربات حیران ناپذیری بر روستای عسوی جنبش وارد کرد، بر کسی پوشیده نیست. ما با رها کردن باره سخن گفته ایم و در اینجانبان نیز آن خواهیم پرداخت. ولی همانگونه که گفتیم آنچه بیش از همه از درجه اهمیت برخوردار است، توجیه و درک عمیق از مجموعه شرایطی است که وقایع سی خرد را پدید آورده است پس از آن را انتخاب ناپذیر ساخته و در شرایط رهبری پروتزی، جنبش را به بیراهه می کشاند و هدایت آنرا به جریانات بورژوائی، خرد، بورژوائی می سپارد. به عبارتی دیگر تأثیرات زیانباری که تاکیهای آنارشیستی، پلانکیستی معاهد بین خلق به روند انقلاب و حرکت رو بر تند مبارزه بود و ای بر جای گذاشت نباید مارا از درک واقعیتی قانعندی های این مرحله از حیات جنبش ناتوان نمود و بر مضامین و اشتباهات، پوره سترها فکند.

زمانیکه ما نتوانیم درک کنیم که درجه وضعیتی قرار داریم و کدام شرایط تاریخی را پشت سر می گذاریم و ملل اقتصادی - سیاسی مبارزه ای که پیش روی ما قرار می گیرد چگونه است و هرگز قادر نخواهیم بود، رسالت واقعی خود را بشناسیم، به اشتباهات خود بی بریم و خطاهای خویش را تصحیح کنیم. گونیمتها همواره بر این اعتقاد هستند که که رهبر شرابطی تاکیهای نادرست و انحرافی این پیمان حیران غیر پروتزی نمی تواند و نباید "تشکلات جنبش" را متلاشی کند این ضعف ما ضعف تشکلات ما است که قادر نیست روحیه کارگران را پاره پاره کند و رهبری جنبش را بدست گیرد و پشتیبانی وسیع خود را جلب کند. در غیر این صورت هر شکل جدیدی از مبارزه که با خطرات و تلفات جدید پیشتر دارد ناگزیر تشکلاتی را که دارای آمادگی کافی برای استفاده از این شکل مبارزه نیست مختل می سازد. (لنین) سی خرد در شرایطی پا گرفت که جامعه در بحرانی ترین حالت خود قرار داشت. فلج اقتصادی، بحران عمیق توری، و فرو فلاکت

و همکاری شیرازه امور کشور را در هم ریخته بود و رژیم حاکم عاجز از حل مسائل بحران زای - جامعه در جنبه گرایشات گوناگونی که هر کدام برای خلاصی از بحران عسوی جامعه راه حل ویژه خود را داشت، کیر افتاده بود. سی خرد در حقیقت نبود باز رشتند تعارضات طبقاتی جامعه، محصول بحران عمیق اقتصادی - سیاسی موجود و نتیجه اینست قدرت بود.

در نهایت از سی خرد از جامعه در تشکیلات و تاپ تحولی عظیم می پیوست. توهیات اولیه نبود. همانست به حاکمیت فروریخته و کارگران و دهقانان و اتحادیه های از حاکمان شهری نه تنها رژیم اسلامی را در تحقق خواسته های هر حق خویش عاجز می دیدند، بلکه آنرا مشخصا در راه حرکت خود دانسته و هر کجا که برای دستیابی باین حقوق بر می خاستند، خود را در رو در در مقابل تهر آهنگ با ارکانهای سرکوبگر آن می دیدند. تعارضات شدیدی علیه حکومت نه از سی خرد که در اصل از همان آغازین روزهای پس از قیام شکوهند بهمن شکل گرفته بود.

جنگ خونین اول کردستان و مقاومت مسلحانه خلق ترکمن، خلق عرب و سلوچ، تعرضات تهر آهنگ کارگران در کارخانه ها بر سر استقرار شوهرها، نبرد مسلحانه زحمتکشان بندر انزلی، مقاومت قهرمانانه و خونین در دانشگاهیان در حفظ کانونهای انقلابی در دانشگاهها همه و همه پرچم های سرخسی بودند که علیه رژیم سرکوبگر خمینی به اهتزاز در می آمدند. اینها همگی اشکال صمیمی از جنگ داخلی بودند که گاه پراکنده و وسیع و زمانی پراکنده و محدود در آمده داشتند. رژیم جمهوری اسلامی نیز سازماندهی سرسری باند های سپاه و دسته های مسلح " حزب الله " برای سرکوب و قلع و معرجه جنبش و دستگیری وسیع نیست کردن پشتیبانی انقلابیون، باین جنگ داخلی بیش از پیش و امن میزد. بالاخره جنگ داخلی که از همان اوایلین روزهای قیام بهمن آغاز شده بود، باید به نبرد قطعی تن می داد. رژیم متوجه آن بود تا انقلاب را قبل از آنکه صحت شود و همچنین بیچین عظیم بر سرش فروریخته خفه کند و اثر انگارائی بماند از آن.

در چنین شرایطی، یعنی شرایطی که قیام هنوز تدارک نشده بود و تنها سازمان پروتزیای جامعه یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بشانه گسترده ترین و توده ای ترین تشکلات پروتزیای دواشر خباتیای کمیته مرکزی دچار اشعاب شده بود و یوقا تأثیر تعیین کنندگی خود را بر توان قوای داخلی از دست داده و هنوز قادر به هدایت موثر جنبش نبود، درست در چنین شرایطی سازمان معاهد بین خلق - که تنها جریان اینرسیون غیر پروتزی با حمایت

وسیع بود، ای بود - در خلا رهبری پروتزیای یک سازمان شد و بعنوان "ناجیسی" انقلاب دست در دست بورژوائی انقلاب را به مسلخ فرستاد. تنها ویژگی سی خرد و روند عسوی پس از آن فصل رهبری مستقیم بورژوائی - خرد، بورژوائی به کل جنبش و اتخاذ تاکیهای کوری بود که باین پائسی قیام زود برس و تدارک نشده، ابتکار عمل را بدست رژیم جمهوری اسلامی سپرد و دست رژیم را که از پیش آماده مقابله نهایی شده بود برای سرکوبی خونین جنبش بازگذاشت. پیش همه جانبه و گسترده رژیم علیه توده های رزنده و نیروهای راستین انقلاب ابعاد سرسری پیدا کرد و همه جا انقلاب را در ضرب قرار گرفت. انقلاب شکست خورد زیرا همه تریو قدرت تر از آن بود که با چنین عسوی از پا برآید. اما توازن قوانین رژیم تغییر کرد و انقلاب متوقف از سر معسوری خود باز ایستاد. جزاین هم نمیتوانست بشود چرا که مبارزه توده ها عمدتاً و مطلقاً با ضمون بورژوائی و اشکال خرد، بورژوائی نهایت می شد و این ضمون و این شکل، فرسنگها محسوسا و شکل مبارزه توده ها فاصله داشت. از همین رو که همه و هرگونه توه نسبت به خرد، بورژوائی و بورژوا معاهد بین خلق فروریخته ضرورت رهبری پروتزیای رسالت تاریخی آن بسیار شناخته شد. این بهترین و ارزشمندترین دستاوردهای این مرحله از جنبش بود.

سازمان که در این مرحله توانسته بود صف انقلابیون راستین را از صف اکثریتی های خائن متمایز ساخته و سازماندهی تشکلات پروتزیای رایج پیش برد، با شناخت صحیح از شرایط مشغول جامعه، طرح تشکیلاتی جوخه های رزمی و اقدامات مسلحانه جهت تدارک قیام سازماندهی کارگران مسلح را در دستگیر قرار داد. اما در اجرای این امر موفق نشد و نتوانست جز در موارد محدود و به صورت پراکنده، دست به اقدامات مسلحانه برای تدارک نظامی قیام بزند. زیرا سازمان متاخره از کوران مبارزات درونی علیه نفسوز گرایشات بورژوائی بخرد، بورژوائی داخل سازمان بیرون آمد و نتوانسته بود تشکلات خود را همچنان تعلیم داده و تدارک ببیند که بتواند بعنوان یک بخش جنگجو عمل کند. این وظیفه دشواری بود که قطعاً نمیتوانست با روزه و با یک دستور العمل بانجام برسد. بخصوص که فقدان این آمادگی و ضعف تشکیلاتی همانگونه که اشاره کردیم، ز سر سرکوب مد اوم شده بد پلیسی تأثیر مضاعف می یافت حال قبل از اینکه به جمع بندی نهایی برسیم لازم است معطوف معاهد بین رادر - خطوط کلی آن مورد ارزیابی قرار دهیم.

گفتیم که سازمان معاهد بین قیام را در شرایطی آغاز کرد که بسیج سیاسی توده ها هنوز انجام یافته بود. بقیه در صفحه ۱۶

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به رفقای کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومله)

و اتحاد مبارزان کمونیست

رفقا! شعاط نام ای نظر سازمان ما را راجع به برنامه ای که تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید بررسی کرده بودید. ماطل این نامه مختصراً به شما پاسخ میدهیم.

تیرمندی نیست که امروزه جنبش نوین کمونیستی ایران در مسیر تکاملی خود به مرحله ای رسیده است که امر تشکیل حزب کمونیست ایران شایسته امری بجز در دستور کار کلیه کارکمیست - کمونیستها قرار گرفته است. شرایط عینی و ذهنی جنبش بطور جدی این نیاز به تشکیل حزب مستقل سیاسی طبقه کارگر را تقویت میکند. امروزه دیگر دوران - گروه و محفلها و اشکال زندگی ماقبل حزبی دوران فعالیتهای پراکنده و سرعت سبزی میزود. دوران نضی و بحال فرارسیده است که خصوصیت آن وحدت بخشیدن به فعالیت کمونیستها، متحد کردن و تشکیلات و گداریه اشکال زندگی حزبی است.

طبیقاً معتقدیم که نخستین گام علمی در این جهت دستیابی به یک برنامه حزبی یعنی یک برنامه واحد انقلابی است. اما از بدگاه ما یک برنامه حقیقتاً پروتزی، - برنامه ای که شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را نداشته باشد محمول بر سره است که بنده بند آن در کوران یک مبارزه تشکیلاتی بدین شده باشد و اکثریت مارکسیست - لنینیستهای ایران به صحت و درستی آن ایمان داشته باشند و حول آن جمع شوند. حال آیا آنچه که تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید در جنبش روزی تدوین شده و از جهت ضعیف شایسته نام برنامه حزب کمونیست میباشد؟ غیراً چرا که اولاً این برنامه در کلیت خود هیچ یک برنامه پروتزی و فرمیتی است که هدف آن حفظ و تحکیم شالوده های نظم بورژوازیستی موجود است و ثانیاً که حاصل یک مبارزه ایدئولوژیک و بلکه محمول ذهنی تفکرات متحد آبی روشننگراست.

پسینم که یک برنامه حزب کمونیست چگونه برنامه است؟ یک برنامه حزبی قبل از هر چیز از یک بخش ظهوری تشکیل شده است که تمام نتیجه گیریهای مادی از آن منتج میگردد. از اینرو این بخش مهمترین و قویترین بخش برنامه است و در این بخش میباید نظام اقتصادی موجود

حاصله روند تکاملی آن مورد بررسی قرار گیرد و پیوسته و پیوسته و پیوسته و پیوسته نظام اقتصادی شخصی گردد. از اینرو در برنامه حزب کمونیست ایران باید سرمایه داری داری ایران بطور مشخصی به سرمایه داری بطور کلی مورد بررسی قرار گیرد. نحوه فرمول بندی باید بگونه ای باشد که تکاملی تدوین سرمایه داری در ایران و همراه با آن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و تضادها و حاشیهای از این سرمایه داری آشکارا بیان گردد. اما در برنامه ای که شما ارائه داده اید چیزی که وجود ندارد سرمایه داری ایران بطور مشخص و باطله آن است. بدینترتیب این بخش یکی از اساسی است و نتیجه گیریهای آن نیز بیش از آنکه بازندگی واقعی سرورکار داشته باشند تراوشی غیر محسوب میشوند. شما از برنامه حزب سوسیالیست مکررات کارگروسیه بند هائی را اقتباس کرده اید که به پیوسته با شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران مطابقت ندارد. استفاده از برنامه های معتبر حتی در کشور بند هائی بعینه از این برنامه صادر نمونند مجاز است که با شرایط مشخص جامعه ما همخوانی داشته باشد و شما این امر نادیده گرفته اید. در بخشی که مربوط به وظیفه سیاسی فوری و رابطه طبقه کارگر با طبقات دیگر است، ماهیت پروتزی - فرمیتی برنامه شما یکی بر ملا شده است. در برنامه شما دره ای حرف میان دو مرحله انقلاب ترسیم شده است. در حالیکه در برنامه حقیقتاً پروتزی پروتزی این دو مرحله انقلاب باید آشکارا بیان شود. این واقعیتی است که انقلاب مکرراتیک ایران بدون گذار به سوسیالیسم بدون اینک یک مرحله گذار به سوسیالیسم باشد باعث قطع قطعی روستو خواهد شد. بدگاه اینجاست که در این مورد باعث شده است که مقصود از تصریح هر ضرورت استقرار یک تئوری انقلابی مکرراتیک کارگران و هفتان سرورازند. در بخش مربوط به مطالبات مشخص ماهیت برنامه شما بیشتر از افشا میگرد. جمهوری مکرراتیک انقلابی ادعائی شما کاملاً پروتزی است و ابتکار عمل از توده مردم طلب شده است. تنها به حمله کنترل کارگری اشاره کنیم. این کنترل بدون الفبا امروزه از آنسی بدون طلی کردن صنایع و موسسات بزرگ و بدون تمرکز صنایع و موسسات به امری بسج تبدیل شده است. برنامه شما در زمینه دفاع از صنایع پروتزی و امپریالیسم تا به ان

حد پیشرفته است که از حد یک برنامه خرد پروتزی را بدگاه نیز برف مانده سر است. آیا بدون صادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ و موسسات سرمایه های امپریالیستی میتوان حتی مدعی کترین مبارزه ضد امپریالیستی بود؟ چگونه است که در برنامه شما از صادره و ملی کردن سرمایه های متعلق به پروتزی ایران و اختصارات - امپریالیستی هیچ صحبتی در میان نیست؟ آیا این است برنامه حزب کمونیست یا اینکه این برنامه از صنایع پروتزی دفاع میکند؟ کلیت این برنامه نشان میدهد که سر تا پای آن از صنایع پروتزی دفاع میکند. در زمینه اختلافات درونی جنبش کمونیستی جهانی نیز این دیدگاه شما چشم بخورد. شما تاکنون حتی از انتشار یک اثر ضمیمه در باره انحرافات کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیسم خود داری کرده اید. اما در برنامه تان احکام عجیب و غریب صادر کرده اید. و این کلیه کشورهای سوسیالیستی جنبش جهانی کمونیستی تبدیل کردن جنبش جهانی بخش خلفا و جنبشهای تحت ستم به ذخیره امپریالیستی اساساً همسر انقلابات پروتزی را انکار کرده اید و بدین طریق ماهیت پروتزی برنامه را افشا نموده اید.

از نظر شکل نیز برنامه شما یک برنامه پروتزی محسوب نمیشود. چرا که یک برنامه پروتزی باید شامل تئورهای کوتاه بدون - کلمات زائد باشد. باید بی چون و چرا و سهل باشد. برنامه باید کوتاه، قابل فهم زبان آن قاطع روشن باشد و در حالیکه برنامه ای که شما ارائه داده اید، نه کوتاه و نه قابل فهم و نه قاطع و نه روشن است. به عبارتی پروتزی موارد، بجای برنامه تفسیر برنامه آمده است.

سلاچین برنامه ای که از جهت طبع برنامه اصلاحات پروتزی است و از جهت شکل نیز از ضمیمه خود تبعیت نموده است. نه برنامه پروتزیست و نه میتواند مبنائی برای تشکیل حزب کمونیست باشد.

البته شما حق دارید که این برنامه را بنام برنامه حزب کمونیست قلند اد کنید و حتی بر مبنای آن حزب با اصطلاح کمونیست خودتان را تشکیل دهید، اما مطمئن باشید که هر خلاف ادعای شما این امر هیچ تأثیری بر جنبش نخواهد گذاشت. ما تاکنون از این نمونه برنامه ها و احزاب بسیار دیده ایم و بهر حال سر نوشت شما نیز چیزی در حد حزب کارگران سوسیالیست، حزب رنجبران، حزب توده، و طوفان و امثالهم خواهد بود.

سزای برنامه بهائیت واقعیت نبردهائی را که میخواهد بر اساس آنها حزب را تشکیل دهد. بقیه در صفحه ۱۲

پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(کمیته خارج از کشور)

به جیبه فارابوندمارتسی

در ۶ آوریل ۱۹۸۲، رفیق میلاد امینتز بصورتی به انا مارینا فرمانده دوم سازمان آزاد بخش خلق السالوادور FPLC یکی از چهار سازمان تشکیل دهنده FMLN در محلاتاتاش در نزدیکی ماتاکورا (نیکاراگوئه) توسط چند خائن پشیمادت رسیده . ۲ روز پس از این واقعه هولناک ، رفیق سالوادور گامتانز کار بهیو فرمانده اول FPLC و عضو هیئت فرماندهی FMLN ، پس از اطلاع از جزئیات ترور رفیق انا مارینا که بدست چند خائن از افراد سابق سازمان وی انجام گرفته بود ، بر زندگی خود خائنه داد . کمیته خارج از کشور سازمان در همین زمینه پیام زیر را خطاب به FMLN و FDR ارسال داشته است :

رفقای رزمده ، گرمترین درودها و همبسته ترین مراتب همبستگی ما را با خلقی که سازمان السالوادور ، با انقلاب پاشکسوه و رهبری پرافتخاران جیبه فارابوند و مارتسی (FMLN) بیدیدید .

شهادت رفیق میلاد امینتز (انا مارینا) ویدتبال آن و با سالوادور گامتانز که پیوسته برای ما همه انقلابیون دنیا بسیار تلخ و تاوانر بود ، لیکن ما با این داریم که این خیانت شرم آور و از دست دادن رفقای چون کار بهیو و انا مارینا نخواهد توانست ، خلقی در عزم استوار شاد راه گسترش انقلاب و رهائی السالوادور ایجاد نماید . ما بخصوص نسبت به شرایط دشوار مبارزات شما واقف بوده و از توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بر علیه شما آگاهیم ، امپریالیسم آمریکا از طرق مختلف میخواهد با استفاده از رژیم های وابسته اثر در منطقه نظیر هند و آسی و آسیای جنوب شرقی منطقه نظیر نیکاراگوئه و لغزام نیروهای مسلح و صری میلیوتیاد لاریپل و اسلحه خلق السالوادور را بزنند و راورد . اما همچنان که وقتام قهرمان ، امپریالیسم آمریکا را راسیایز نمود راورد ، خلقی که سازمان السالوادور نیز وقت این امپریالیسم خیانتکار و مزدوران دلتیش را در آمریکا بخاک خواهد چالید و یکبار دیگر جهانیان نشان داده - خواهد شد که پیروزی از آن خلقهاست .

رفقا ! سازمان ما نیز طی ۱۳ سال حیات خود تجربه سخت و لحظات پهرانی بسیاری آزموده است و در هر مقطع بحرانی پاشکسوه بر اصول و ریشیای های انقلابی و

ایمان به نیروی خلق توانسته است بر عیانته و اتواع انحرافات راست و " چپ " فائق آید .

شما بخوبین میدانید که خلق قهرمان ایران با قیام تاریخی خود رژیم خفقور شاه ، یعنی ایدارم امپریالیسم لوتخفته خلیج فارس را سرنگون ساخت ، و باز میدانید که سازمان متشیبه سازمان کمونیستی بود که در زمان حکومت شاه پیاپی همیشه و کلیه آن رژیم و حامیان امپریالیستش اقدام به مبارزه مسلحانه نمود و با شرکت فعال در قیام سال ۱۹۷۹ - به آگاهگری و سازماندهی مردم در هر حد توان خود ، تلاش نمود انقلاب را به پیش ببرد و ننگ ارب در هبران سازمانگر جنبش به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته ایران برداخته حکومت مستقرانه ضد مردمی جدیدی بر این سازمان سازند . سازمان ما همچنان با این تلاش خود ادامه داد با این همه تاریک اندیشان رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از توهم تبوده ها بلافاصله بعد از تسدوت رسیدن در زیر سیاست سر نیزه ، کشتار و یکبارگیری شیوه های قرون وسطایی شکنجه ، به سرکوب همه جانبه خلقهای ایران پرداخته اند .

رفقای رزمده ، در شرایطی پیام همبستگی ما را دریافت میکنید که دهها هزار نفر از انقلابیون ایران بدون محاکمه در دو سال گذشته تیرباران شده اند و بیوروش همه جانبه ای علیه خلقهای ایران با شدت هر چه تواتر ادامه دارد . بیش از پنجاه هزار نفر در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی تحت شکنجه قرار داشته و به بند کشیده شده اند . خلق قهرمان کرد زیر شد بدترین بیماریات با بیورشهای وحشیانه رژیم قرار دارد . ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک مردم رعایت نمیشود و هرگونه خواست دمکراتیکی را پایبانه های واقعی " وابستگی به غرب " با کلوله پاسخ میدهند . از نظر اقتصادی وضع فلاکت باری را بر مردم تحمیل میکنند . بساط پرده داری و قرون وسطایی رژیم ، جز فقر و گرسنگی ، زور برای توده های مردم پارخنان نیارورد . و تمام ارزشهای انسانی را لگدمال کرده است . وجود قریب پنج میلیون بیگاره گرانی ، بیش از ۱۰٪ تورم ، کمبود مایحتاج اولیه ، فقدان کمترین آزادیهای فردی و اجتماعی ، بخاک و خون کشیدن لغصبسات کارگری ، حمایت از ملاکین و سرمایه داران ، تدوین قوانین قرون وسطایی و فوق ارتجاعی بر علیه کارگران ، زنان و اقلیتهای ملی و مذهبی ، تد اوام جنگی خاتمانسوز و ارتجاعی با عراق که حاصلی جز کشتار در میان انسان ندانفته و منجر به تقویت مواضع امپریالیسم و همپویسم در منطقه خاورمیانه شده است ، حمایت از ترور دشمنان مرتجع افغانستان - همکاری و همدمشی با رژیمهای وابسته به امپریالیسم و مرتجعینی چون ضیاء الحق در پاکستان و فاشیستهای نظامی در ترکیه و ...

همه و همه گشته ای از کارنامه چهار ساله رژیم جمهوری اسلامی است .

اگرچه هزاران نفر از فتای ما با سر نیروهای انقلابی بدست رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده و میشوند و اگرچه دهها هزار تن از ایران ، در زندانهای زنجیر شکنجه های قرون وسطایی رژیم قرار دارند ، اما ما از برای نخواهیم نشست و دست سخت ترین شرایط نیز وظیفه خود را در جهت تد اوام انقلاب تارسیدن به اهداف واقعی و تقوی مردم که همانا راهی از یوغ امپریالیسم سرمایه داری وابسته و مست و استعمار طبقاتی است ، فراموش نخواهیم کرد .

رفقا ، تو خالی بودن شعارهای ضد امپریالیستی خفنی و ماهیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر بر جهان پیمان آشکار میشود . شعارهای رژیم جمهوری اسلامی یعنی پر مبارزه ضد امپریالیستی قریبی پیش نیست . اگرچه سیاستهای رفوچینی و تسلیم طلبانه ا پیورنیستیکه تاثیراتشوری راه رشد غیر سرمایه داری میباشد ، بجاگسری رژیم جمهوری اسلامی میچزند تا شاید رژیم خفنی را زنده مالت آمیزه سوسیالیسم بکشاند ! ولی امروز نتیجه سیاستهای تسلیم طلبانه و تزلزل اپورتونیستیک در جهت یکبارگی اهداف انقلاب ، بوسیله نمایش تلویزیونی رهبران خائن حزب تبوده بر همه مردم - همچنان روشن شده است .

رفقا ، امروز سازمان ما در سخت ترین شرایط در راه سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق مبارزه میکند . ما میگوئیم تا با استقرار جمهوری دمکراتیک خلق ایران ، جیبه و دیگری علیه امپریالیسم بکشانیم و هر چه بیشتر در خدمت جنبشهای رهائیبخش از جمله السالوادور و فلسطین و تمام خلقهای تحت شتم جهان قرار گیریم . ما همواره بر اساس وظایف اترناسیونالیستی خود بحمايت فعالانه از جنبش السالوادور برخاسته ایم . ما پیروزی شمار پیروزی خود دانسته و شکست امپریالیسم و این دشمن مشترک بشریت را هدف مشترک همه خلقها میدانیم .

مرگ بر امپریالیسم جهانی
سرگردگی امپریالیسم آمریکا
پیروزی انقلاب السالوادور
به رهبری
متحکم با همبستگی خلقهای
السالوادور و ایران
با گرمترین درودهای انقلابی
و بهترین آرزوهای
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته خارج از کشور
۴ ماهه ۱۹۸۳

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



پانک . . . بینه از صفحه ۱

پس با مرکز گون کردن نظام پانک آری (۱) و استفاده از مفروضات اسلامی نظریه، مزایه و انواع مشارکت ها و در فعالیت های تولیدی، بازگانی و خدماتی شرکت خواهند کرد.

مادر این بخش از مقاله ابتدا به تشریح اساس این صوره و سپس به جزئیات آن در قسمت دیگر میپردازیم و روشن کردن ضامن عقود اسلامی و نحوه سودبری سرمایه از طریق این عقود شریعی نشان خواهیم داد و در ادامه اساسی هد فی را از تصویب این لایحه دنبال میکند.

رژیم پیش از این نیز در باب حذف بهره و در قالب پانک اسلامی و پیمان خدمات مالی و سرمایه ها همان عقود اسلامی سخن گفته بود که عقودش بر روی کاغذ ماند و خدمت سرمایه بی پاسخ از سوی سرمایه در آن رژیم حیران و تمجیب که چرا پانک های ریای نوشته در ما و ما هم آن برای فریب نمودن ما، نتوانسته اقتصاد را طبعی انسان سرمایه در آن را در برگیرد و در آوردن سرمایه حاصل کند و طرحها تماما با شکست مواجه شده است.

مادر همان زمان در مقالاتی چون حذف بهره، کلاه شرمی دیگر، پیمان خدمات مالی پناه نهادی در خدمت حزب جمهوری اسلامی و جایگزین پانک اسلامی باروشن کردن ضامن و مستوی حقوقی عقود اسلامی، به اجتناب ناپذیری توسل رژیم به شیوه عملیات بانکی سرمایه در ارائه برای رفع بحران و جذب سرمایه ها اشاره کردیم و گفتیم که این شیوه همان شیوه عملیات بانکی در نظام سرمایه داری است که جهت راه انداختن کار سرمایه در آن به خرج تولید کنندگان واقعی و تعدیل مشکلات مالی و تثبیت نظام سرمایه داری صورت میگردد. مادر کار شماره ۹۳ بنام پیش ۲۵ دی ماه ۵۹ نوشتیم در زمانی که پیشکشگر مالی به چنان درجه ای رسیده که دیگر جای انکار باقی نمیکند او دولت به انواع حیل سعی در ارتقاء مردم راهبه پانکها، این بهترین مرکزهای اقتصادی سرمایه داری جلب نماید و اشاره کردیم که حتی خصمی برای رفع مشکلات مالی بهره رانعت پوشش جایزه مجاز شماره پانکها در بنیادی بوزوانی و چون پیمان خدمات مالی تنها نشانه وجود دولت تنزیل خواری است که برای رهائی از مشکلات مالی و از کاهش نقدینگی پانکها و نیز راه انداختن صنایع وابسته و تجارت

نظام سرمایه داری در حال کند و کند هر چه در دستاوردی توسل میجوید که پانک در قالب پانک نهی تحت عنوان پیمان خدمات مالی (البته برای سرمایه داران) در شکل اسلامی لیکن در محتوا سرمایه داری رخ نموده است، بطوریکه بهره بازگانی این در قالب ضاربه و بهره مالکانه است و مزایه سودبری این از سرمایه گذاران مشارکت تحقق می پذیرد که سه سیستم عملیاتی این همان سیستم عملیات بانکی است.

اما اگر آن روش تلاش در جهت اقتصاد سرمایه در آن و جذب سرمایه ها به روند تولید و در لقای لفاظی های عواضیه بانه به شکر است، بی اعتباری رژیم بناتوانی سیاسی نکاتی است در برقراری امنیت سرمایه و بی اعتمادی سرمایه داران و وجود سرمایه های راگد و غیر مولد و ادبی است، اکنون شدت بحران و وضعیت ناپه هنجار مالی و غیره در برگیرد و صنایع و افت چرخهای اقتصادی در زمینه کشاورزی و کاهش ارزش پول و افزایش نقدینگی بحجم پول بدون پشتوانه، تورم افسار نسیخته و افزایش قیمت ها و میلیاردها ریال کسر بودجه، خزانه نسی و فروش نفت به کمتر از نرخ رسمی آن و بی بهره بودن از درآمد تولیدات داخلی،

مختصر نگوییم تر از نامه و شکستگی رژیم بیان صریح ترود ترقی تر مقصود از تصویب لایحه ای جهت تضمین سود سرمایه داران و قانونیست بخشیدن به سودبری سرمایه را طلب میکند و لایحه بیان صریح و قانونی است برای تامین سود برای پاره افتادن چرخهای تولید در بخش خصوصی و وضعیت اقتصاد که رژیم گرفتاران است.

نویسنده رئیس کربانک مرکزی و مرتضی آرمی مدیر عامل پانک صنعت و معدن و خوروت صبح آوری سرمایه های انداخته اما برآند و هر چند اندک در پانکها برای فعالیت واحد های تولیدی بخش خصوصی و نحوه تامین سود را لیکن توضیح میدهد. نویسنده به هنگام شروع لایحه و تصویب کلیات لایحه سیستم بانکی بدون بهره در مجلس اسلامی میگوید: "سود ها نهی و بالقوه ای است که اگر صریح هدایت شود بعنوان یکی از بخشهای صنایع و غیره های که در سیستم اقتصادی میتواند صرف سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی ملکت بشود به همانقدر رفیع است که اگر هدایت نگردد به دست راه بروری این بهره سود ها را از اصولی خودش حذف کنیم" (گهیان - ۱۶/۱۱/۶۱) و اضافه میکند که صنایع پانکها در صورت وام و اعتبار سایر بهره بردار است نخواهد شد بلکه این صنایع پولی در چهارچوب معاملات شریعی در اختیار افراد قرار داده میشود. مرتضی آرمی نتیجه این بینه در صفحه ۶

در حاشیه تصویب لایحه

"سیستم پانک اسلامی بدون ربا"

جنوری: نظام جدید که در آن حذف بهره پیش بینی شده است جنبشی است بر در نظر گرفتن واقعیات موجود که این واقعیات بتدریج جاهت همه نهار های انقلاب که در آن مجلس شورای اسلامی است بتدریج میبایستی اسلامی شود. چرا که اگر ما میخواهیم بهره را حذف کنیم و آبروی در اختیار پانک نگذاریم در روز اول تمام بهره های مردم از پانک خارج میشود و اقتصاد ملکت فلج میگردد. ما ناچار بودیم هنگام حذف بهره آبرو را در نظر قرار دهیم بد هم که هر بنزایم سود های مردم را حتی پیش از گذشته جذب پانکها بکنیم و هم بتوانیم پانکها را بطرف تولید و کارهای سازندگی سوق بدهیم که در این لایحه این دو هدف پیگیری شده است. (گهیان ۱۱/۱۱/۶۱ - مجلس - بحث کلیات لایحه)

خوشبینی ها انتقاد به رومورد نتیجه کار کمسیون بهره: اکنون تنها نتیجه حاصل شده این است که جای دارن بهره به صاحب پول، با اولک معامله ظاهر شری انجام شود و این ترتیب ضامن قابل اطمینان تری به اودان و تنویر نیاز صاحبان پول به محض اینکه احساس کنند سودشان به منظره افتاده است، پولشان را از پانک خارج میکنند (اطلاعات - ۶/۱۱/۶۱)

موجدی ساوی: "مادر این لایحه یک کلاه شرمی را برای دارن و گرفتن ربا نسبت به بهره های مردم گذاشته است و پانکها یک کلاه شرمی جدید و مدرن که در کل جهان پولی و مالی ملکت پانک را یک کلاه کرده است. (گهیان ۱۱/۱۱/۶۱ - مجلس - بحث کلیات)

انصاری: "ما در تقاضای داریم که پانک تجارتی انجام دهد، ما جای درآمد سرمایه و صنعت پانکها که از محل ریاست است بی آمده و باید جایگزینی بگذاریم که انداخته های مردم جذب شود و پانکها بتوانند ضمن اینکه در رشد اقتصادی فعال هستند و چرخهای تولید ملکت را به حرکت در میآورند سود آوری هم داشته باشند برای صاحبان انداخته و به اشکالی دارد که پانک برای جذب پولهای سرگردان در جامعه و حتی خانه های چند میبایستی هم بسازد و در تقاضا عایدات این مسئله بر مگردد به جیب مستضعفان که صاحبان پول هستند. ما در تقاضای تهیه اسناد و قانون پانک ضمن اینکه خواستیم بینه در صفحه ۱۲

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برداخت

معاملات را باید بنگونه بیان می‌کند
برای در مورد مشارکت با سازمان معدوم می‌کند
نتیجه محضی نماید ملکت میشود بد پس
معنی که واحد های تولیدی خیلی فعال
شروع بکار میکنند (کمیته ۱۲ آبان ماه ۶۱)
و من خوش در جانی در کارها ملکت در موفقیت
بانک را توضیح میدهد "عامل مهم در
موفقیت يك بانک قدرت جذب سپرده هاچه
بصورت قرض الحسنه و پس انداز است و این
عامل است با اینکه سرمایه های سرگردان
کتر باشد و در نتیجه نهم هم گتر بود و آن
ضایعات اقتصادی در جامعه گتر می‌باشد"
(اطلاعات ۱۱/۳/۶۲)

نرخ پیش برای اثبات حذف بهره از
نظام بانکداری در جمهوری اسلامی و نیز
اوقات تفاوت این طرح با عملیات قد اول
بانکی در نظام سرمایه داری، در نمودار یکی
مربوط به رژیم گذشته و دیگری "طرحی نوین
مربوط به نظام اسلامی" ارائه می‌دهد و مدعی
میشود که در رژیم گذشته اساس منابع و -
درآمد بانکها بهره بود در حالیکه در طرح
بانکداری اسلامی سود پوی از معاملات
شرعی و عقود اسلامی و اساس درآمد بانکها
میشود. اضافه کنیم که در طرح بانکداری
اسلامی پس از تصویب مجلس و آن بخش
که بانک - بدون مردم میشود بصورت بهره
- های قرض الحسنه شامل جاری و پس
- انداز تغییر کرده است.

در ظاهر نمودار تفاوت بنظر می‌آید.
تفاوت سه سود جایگزین بهره گردیده و از
طرف دیگر عبارتی از قبیل وکالت بانک و انواع
عقود اسلامی و نیز قرض الحسنه بجای وام با
بهره و مشارکت در سرمایه گذارها و سپرده
حساب جاری و سپرده پس انداز گذشته
ست. اما، در حقیقت هر دو نمودار یکی و

بانک

بقیه از صفحه ۵

در ارای مضامین و محتوای یکسان است. ما
در مجموعه مقاله نشان خواهیم داد که بهره
سود هر دو ویژگی از مقدار کل ارزش اضافی
تولید شده توسط کارگران است و عقود
اسلامی زکرت شده در طرح اسلامی نیز همان
مشارکت سرمایه گذارهای بانکها و اعطای
مقتضات بانکی به سرمایه داران است.

به توضیح بیشتر نمودارها بپردازیم.
مطابق با طرح بانکداری بر اساس روش -
قد اول و در خاتمه نقدی مردم بصورت سپرده
های جاری و پس انداز وقت در اختیار
بانکها قرار می‌گیرد، بانکها از وجوهی که از این
طریق جمع آوری شده، در عملیات مختلف
بانکی از قبیل دادن وام و اعتبارها بهره و
سرمایه گذارها شرکت میکنند. بانکها وام و
اعتبارها را گرفتن در مدتی بهره به مشتریان
بانکها (سرمایه داران) پرداخت میکنند و
از درآمد ناشی از بهره و امسا سود حاصل از
سرمایه گذارها بهره به کسانی که در بانک پول
دارند، به استثناء حساب جاری بانسرخ
ثابت و نسبت مدت و مبلغی که در بانک

سپرده دارند، بهره سپرده‌اند. از اینسرخ و
اساس بر اعتبارها و دریافتهای بانک بهره
میکرد.

اما در طرح اسلامی که رژیم مدعی شده
بهره " بعنوان محور اصلی از سیستم بانکی
کشور یکی حذف شده بجا به گفته ی سران
رژیم وام و اعتبار و دریافت بهره جای خود
را به مشارکت سرمایه گذارهای بانک بسا
استفاده از عقود اسلامی داده است. برسر
اساس این طرح مردم پول خود را بصورت

قرض الحسنه پس انداز که طبق صورتی
جلسه سود به آن تعلق نمی‌گیرد و نیز به
صورت سپرده سرمایه گذاری در بانک
می‌گذارد برای شرکت در عملیات مختلف
بانکی و معاملات شرعی به بانکها و کالست
میدهند و بانکها نیز بنظر سود آور بودن -

عملیات بانکی با استفاده از عقود شرعی بانکی
که بخواهد از منابع مالی بانکها استفاده
کند از طریق مزایه و انواع مشارکت هاشریک
میشوند و سود درآمدهای حاصل از عملیات
بانکی را بین سپرده گذاران تقسیم میکنند و
این تقسیم تمیزید بین ترتیب است که از سود
حاصل از سرمایه گذارها در هر مدتی به نسبت
مبلغ و مدت سپرده های سرمایه گذاری
مدت داریه صاحبان سپرده برداخت
خواهد شد. به این ترتیب روشن است
سود هر کسی عملیات بانکی در نمودار اساساً
تفاوتی ندارد و تنها تفاوت یکی در درصد
ثابت بهره در نمودار اول و درصد متغیر سود

در نمودار دوم و نیز بهره ای است که در "روش
قد اول" به پس انداز تعلق می‌گرفته که در

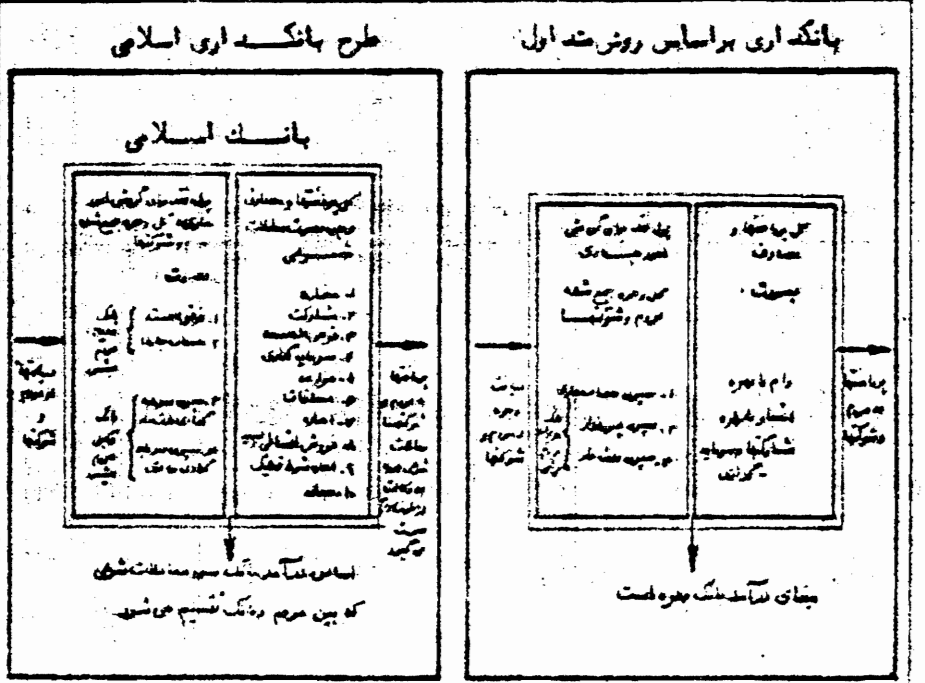
طرح اسلامی، قرض الحسنه (شامل حساب
جاری و پس انداز که تحت عنوان قرض به

بانک داده شده از سود پوی معاف شده
است. به این ترتیب میزان منابع پولی بانکها
از طریق قرض الحسنه که بدلیل عدم استیلا

آن بهره بران "حرام" گردیده، افزایش
می‌یابد که میتواند با ذخیره نقدی تا چیز مردم
ذخیره های در خدمت سرمایه گذارها را
افزایش دهد و گرنه در تقسیم وجوه جمع شده
(سرمایه بانک) در فعالیتهای مختلف
اقتصادی تفاوتی در میان نیست. اما، این
سیاست راهم رژیم همانند سیاستهای دیگرش
در پس عبارات عوامفریبانه ای نظیر خدمت به
نیازمند آن پیش میرود. نوربخش در حساب
سپرده قرض الحسنه میگوید: "سپرده
جدید دیگری که در سیستم بانکی ما پیش
سپیدی شده سپرده قرض الحسنه است و
کسانی که مایل هستند پولشان را در اختیار
نیازمند آن قرار دهند میتوانند اینکار را از
طریق شبکه بانکی انجام دهند. زودسرا
ده ای نخواهند سنتها می‌پس انداز خود را
در اختیار نیازمند آن قرار دهند یکی از جهت
اینکه در ارتباط مستقیم با آن فرد نیازمند
قرار نگیرند و اینکه فقط منبع مالی را تامین
کرد. اما باز پرداخت آنرا دیگری مسئول
شود. و سپس اضافه میکند بانک از این وجه
(قرض الحسنه) صرفاً در جهت دادن قرض
برای مصارف ضروری (یعنی همان وامهای
ضروری از قبیل وام مسکن و وام جهت تعمیر
محل مسکنی و...) که همیشه مقدار آن -
نسبت به وام سرمایه گذارها کمتر و از این
شرط و شروط در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد
بصورت قرض الحسنه استفاده خواهد کرد"

(کمیته ۱۲/۳/۶۲)

صرف نظر از اینکه يك تام مشترك برای
مجموع حساب جاری و پس انداز، تحت
عنوان قرض الحسنه، بقیه در صفحه ۹



پایگاه...

بخش از صفحه ۱

به آسانی میتوان به نتیجه رسید و باختن و منحصلمت سرمایه و آثار ناشی از آن رسد و تا آنجا این مالکیت دولتی پیروزی بی انتقام حاصل بر اهمیت تعیین کنند... چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی میتواند مضمون غیر سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم باشد. اما باید پرسید مگر تحت چنین شرایطی مالکیت دولتی پرسائل تولید چه در گرونیهای در - ماهیت سرمایه، بمثابة يك رابطه اجتماعی استثمارکننده کارزند، ایجاد کرده و چه تغییراتی در وظائف سرمایه و عوامل سازمان دهند و این وظائف پدید می آید که حزب خود، به اعتبار آن، هاله مقدس غیر سرمایه داری را بدو و چنین مالکیتی می کشد؟ شناخت علمی این در گرونیهاست که میتواند ما را با اساس پایگاه طبقاتی حزب خود آشنا کند.

سوسیالیسم علمی برای آموزش همان که ادعای نه چند آن جدی و قابل تقاضا بر نامه ۱۳۵۴، پلنوم ۱۵ حزب خود نه نیز تذکره می آید (تازمانیکه پروتاریا در - هژمونی و سپس در راس قدرت دولتی قرار نگیرد و پیرویه طولانی کنترل یافتن تولید کنندگان بلاواسطه پرسائل و مالکیت و بطور کلی شرایط عمومی تولید نیز آغاز نخواهد شد. و لذا در درونی که دولت پیروزی در راس قدرت حاکم قرار آید چه در حوزه مالکیت خصوصی و یا حوزه مالکیت دولتی، هنوز تولید کنندگان بلاواسطه در جدائی از شرایط مادی تولید خود بر سر میروند و هنوز نیروی کار خود را در رقابت گسترده بمثابة کالای سرمایه داری در مقابل دستمزدها بفروش میرسانند، هنوز نظم اداره پیرویه های تولید را در اختیار نگرفته و به طرق پیرویه های توزیع ارزشهای مادی ایجاد شده نیز از کنترل سازمانیافته آن جداست و بر این اساس است که هنوز ارزشهای اضافی در پیرویه های کار خلق شده و در پیرویه گردش به تحقق استثنای می انجامد و از این روست که رابطه سرمایه وجود داشته و عمل میکند و در جریان بازتولید گسترده خود این وظائف ماهوی را با عوامل سازماندهنده متناظر و متحول می هماهنگ میسازد. اگر بنا به اصول سوسیالیسم علمی و تمامی این "نظم" ماهوی را کارکرد سرمایه بنامیم آنگاه باید بدید حساسیت - لکجاب انگیز حزب خود نسبت به مالکیت دولتی مورد نظر خود در ره در کدامین خصوصیات درونی این "نظم" دارد و چرا یک چنین حریف تمامی مستطوله و اکلکسیسم مفاهیم و حتی ایجابات و دستکوبی -

روزی و نهی را بخدمت مگرد تا به صورت سرمایه داری و انتقاد همان محسوبه مالکیت خصوصی اش در فن کند! تاریخ تکامل سرمایه داری نشان داده که سرمایه بنابه خصلت ذاتی خود، در جریان انباشت گسترده رویه انحصاری گذارد این جریان انحصاری شدن، صرف نظر از اینکه حاصل تکامل سرمایه داری جوامع پیشرفته در - مراحل بالاتری این مناسبات و با حاصل ضعف مناسبات سرمایه داری پیروزی یک جامعه عقب مانده و لزوماً نقش مکمل بخش دولتی چنین جوامعی باشد، در مرحله عمومی به جدائی مالکیت حقوقی از مالکیت اقتصادی (اختیار و قدرت اداره سرمایه) می انجامد که مفهوم این جدائی را در شکل پارزبان میتوان متقارن دید. یکی در حالتی که پیروزی ضمن برخورداری از مالکیت حقوقی سرمایه از حق اداره سازماندهی وظائف و کارکرد سرمایه کنار مانده و با این نقش را به مدیران بنکاهای سرمایه داری واگذارد و خود بعنوان سجاد اوسرمایه از سود های حاصله بهره مند میشود و دیگر در حالتی که دولت پیروزی به نمایندگی کلی طبقات استثمارگر، مالکیت سرمایه و غالباً بزرگترین و انحصاری ترین اثر را بخود اختصاص داده و مدیران مختلف دولتی به کارکرد این نوع سرمایه سامان می بخشند.

باین ترتیب روشن است که اساساً تفاوت ماهوی بین سرمایه داری دولتی و خصوصی تحت حاکمیت پیروزی وجود ندارد و ملگردد سرمایه و استثمار نیروی کار همچنان در روند تولید در هر دو شکل تحقق می یابد.

اما زمانیکه حزب خود هرگونه دولتی شدن را تحت هر شرایطی مورد ناپذیر قرار داده و اثر اجزائی با "سختگیر سوسیالیستی" میداند، حزبی که با نجانان معاملات پیرویه هژمونی طبقه کارگر مشابه عامل تعیین کننده گذار به سوسیالیسم دست زده و بد انسان که ناپدید هر چه چون - مطلوب طبقاتی را جایگزین آن میکند، حزبی که به هر دری میزند تا ایجاد وی خرید دولتی ماشین آلات سنگین از کشورهای سوسیالیستی و پیرویه اتحاد شوروی با شرم خاص خود (!) زهر سرمایه را حق از سرمایه داری بخش دولتی رژیم شاه بزداید، حزبی که به یک چنین دولتی شدن رابه حساب "خواست مردم ایران" گذارد (برنامه ۱۳۵۴) و سرانجام در دوران رژیم جمهوری اسلامی با هشداری بازگشت مجدد سرمایه داری، به اقتصادیات بخش دولتی این رژیم ماهیت "غیر سرمایه داری" ضد سرمایه داری می بخشند (پلنوم ۱۳۶۰) و خلاصه حزبی که سرمایه داری دولتی را تحت هر شرایطی و هر حاکمیتی اساس سرمایه داری میداند، که این ضایع طبقاتی را در چنین دولتی شدن نسبی جستجو میکند!

گفتیم که پیروزی در انطباق با ضروریات مرحله تکامل سرمایه داری به دولتی شدن بخشی از سرمایه کردن منبند در چنین شرایطی خود، پیروزی مرفه جد بد یعنی مهندسی - تکنوکراتها و... به خدمت دولت در آمد و طبیعی است که در محدوده های طبقاتی خود از فاه اقتصادی و احتیاجات اجتماعی بالائی برخوردار میشوند و از همین رو بیشتر جانب سرمایه را میگیرند و آید ایران کسی یافت میشود که در استراتژی و تاکتیک و نیز در شعارهای حزبی، کافدی، دیواری، با اعضا و حتی بسی اعضای این حزب، ذره ای بیش از حفظ ضایع اقتصاد سوسیالیست یک چنین اقتضای رایافته باشد چنین است چو هر طبقه سوسیال فرمیسیم حزب خود.

با چنین پایگاه طبقاتی آشکار است که دست انداختن به ماشین دولتی در تمامی ابعاد آن ضرورتاً باید محور و نیز تعیین کننده، برزنیهای جنگی اهدای و بر نامه و سپس اتحاد و مبارزه "حزب" در جریان مبارزه طبقاتی جامعه قرار گیرد.

خود "حزب" نیز بر آن پهنی که در - باره مفاهیم "ترقی اجتماعی" مبارزات ضد امپریالیستی و "سنگین سوسیالیستی" از او بدیدم بر این واقعیت افسان دارد: "حزب خود از هر دولتی که از تک حصول

ترقی ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی ناشی شده باشد بنویسه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوق آن بسوی سنگین های سوسیالیستی خواهد کوشید" (برنامه، ۲۸ - تاکید ما).

برای حزب خود و بمثابة یکی از پیروان وفادار "مارکسیسم - لنینیسم خلق" که خالق تئوری ریزیونستی "راه رشد غیر سرمایه داری" است، ظاهر آمیاتی و مفاهیم مارکسیست - لنینیستی مربوط به دولت موضوع شهری شده و پیرویه منبند ای است. اگر پیروزی آموزش کاران سوسیالیسم علمی و پروتاریای انقلابی بیکدیگر می بخشند که به جای صاحب، تکمیل و پیرویه ماشین دولتی سیاست آنرا خرید کرد و در هم شکست، اکنون در عصر ما که "محتوای گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم" توسط تئوریستین - هائی از طراز اولیای تفکری ساخته و پدید آمده شده است، دیگر سخن گفتن از مقسولات فوق محلی از لفظ نیست و باید داشته باشد! در چنین عصری دیگر این خود و پیروزی (با پیروزی که برای تحقق تئوریستین - خرد و پیروزی تحلیل میشوند) است که با اشکال گوناگون و دلتهای با اصطلاح خلقی خود میتواند جوامع عقب مانده را در پیوستند با سوسیالیسم قرار داده و کار رایان سر و بسای چندی بقیه در صفحه ۸

بکمره کند، ولذالین وظیفه
" احزاب کمونیست " چنین جوامعی است که
بقوانین دولتی گردن گذارد و در قالب
همان قوانین تادروازه های سوسیالیسم
بنازند، در این میان البته هیچگاه از
تجربیات " تاکام " نارنجی، که اتفاقاً (۱)
از احتمال قریب به حد در صد هم برخوردارند
نباید آمیخت زیرا که تئوری، چنین چیزی را
مجاز نمیشورد! بر همین اساس است که
حزب توده ما هم در آرزوی چنگ اندازی
فرایند به ماشین دولتی، حتی لحظه ای از
اصول قانون پذیری و قانونی شدن غفلت
نمی ورزد.

چنین است که بعضی استعمار شایم
سرمایه داری دولتی قدرت یابند و میوز
" بسط مناسبات دوستانه مقابل " بسط
کشورهای سوسیالیستی، می بینیم که " حزب "
هم همزمان در شیور " انقلاب بس میدند و
از یک سو توده ها را دعوت به اعتلا " انقلاب
در قالب اجرای " قانون اساسی ولایت فقیه "
میکنند و از سوی دیگر به هر دری زده و به هر
قدیسی متوسل میشوند تا اصل حیاتی (!؟)
قانونی بودن خود را به اثبات رسانند و با اگر
نشند با کمال تأسف (!) به تمام معنی
گدائی و حتی حقه کند. حزب توده که با
پاروش شده و دولتمردان جمهوری اسلامی
نیت رفتن " قانون سیاه " ۳۱۰ رضاخانی
را کرده اند (پلنوم، ۵۵)، اعلام میدارند که
" هواداران واقع بین پرورش بین پیرو خط
انجام پیروهای سالم و پیرو سوسیالیسم
علی ... خواستار اجرای قانون اساسی
جمهوری اسلامی در تمامی ابعادش هستند "

(پلنوم، ۵۶ - تأکید ما) و این قانون
بدون تردید بهترین میوه انقلاب
شکره مند میهن ماست " (همانجا، ۱۲۲)
اما از طرفی حزب با اصول ناقصی الاصولی
همچون اصل پنجم و یکصد و هفتم و یکصد و
ششم " قانون اساسی " یعنی با مسائل
همچون " ولایت فقیه " روبرو است که او را
وامید ارد تا راه را برای هر نوع مانوری باز
گذارد: " رفع کمبود ها و نارسائی ها و برپا دار
کردن ست گره های مردمی قانون اساسی
(فقط این نوع شکستی ها؟) میتواند راه
و از کسور برای بازگشت نظام غارتگر و استعماری
چوبی و بسته کند شده مد کند و از سوی دیگر
برای پیشرفت به سوی شکوفائی نظام مردمی
در کشور هموار سازد. بر پایه همین ارزیابی،
" حزب " با نگرانی نظریات انتقادی خود
(این دیگر افراط در سوا " استفاده از
دکراسی است!) این قانون اساسی را
مورد تأیید قرار داد و تا پیروی خود را برای
اجرای آن بکار انداخت " (همانجا، تأکید

ما) و وقتی غالب گوی " انقلاب بس " بدین
طریق مشخص شد، لازم است که توده های
زحمتکش نیز به فعالیت در این قالب فرا
خوانده شوند و یکی از مهمترین دستاوردهای
جنبش انقلابی اخیر، یعنی شورا های انقلابی
خود را که ضامن همه ای در اعمال مستقیم
اراد و آنان و سطوح حکیم آزادی میهنی

پایگاه ... بقیه از صفحه ۷

د مکرانیک میتوانست باشد، از سطح
چشمگیری که بد آن دست یافته بود به -
محدوده قانون مورد علاقه " حزب " بعقب
بازگردانند، زیرا که از دیدگاه چنین حزبی
این قانون نیست که باید توسط نهاد های
انقلابی وتوده ای برخاسته از طبقه
جنبش انقلابی تعیین شود بلکه این توده
- ها هستند که میبایست بایک بازگشت
ارتجاعی (!) شورا های خود را به سطح
قوانین فرمایشی مطلوبه " حزب " تنزل دهند.
درست بر همین اساس است که حزب توده
در شمارش " پیامدهای مبارزات نخستین
دو سال انقلاب "، " رشد و تثبیت قانونی

اشکال مدیریت شورائی در زندگی اجتماعی و
اقتصادی زحمتکشان شور و روستا و در چهار
چوب مهمی در ارگانهای اجرائی دولتی و
نیروهای مسلح، رادریالاترین رده های
اهمیت قرار داده و بد آن افتخار هم میکند
(پلنوم، ۵۶ تأکید ما) در عوض " حزب "
توده ها را هم بی چشم داشت یاد اشی بحال
خویش رهان میکند و در بند بند پلنوم خود
انبردی از لفاظی های مربوط به بی مایه ترین
و بیچنین رفرمهای اقتصادی بورژوازی و نیز
و عهد و وعید های سیاسی بگیرو پششان را بر
آنان میبارد که: قانون دقیق برای مالیاتها
بمنظور تقسیم عادلانه درآمد باید به اجرا
گذاشته شود (که شد!)، بودجه دولت
نیاید وسیله تجدید توزیع درآمد ملی بسود
غارتگران بوده بلکه باید به نفع زحمتکشان
باشد (که بوده است!)، در قانون
اساسی جمهوری اسلامی تأمین کار و وسیله
کار برای همه افراد جامعه بعنوان اصل
در نظر گرفته شده (که البته حتی در مورد
دستفروشان و دوره گردان هم اجرا شد!)
و ... در چهار چوب قانون اساسی و تکمیل
آن باید آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، مطبوعات
طبوعات، اجتماعات، احزاب، اتحادیه
- های صنفی، سکونت، مسافرت، انتخاب
شغل و حق امتیاز برای زحمتکشان و
آزادی دفاع در محاکم و صورتیهای فردی
بطور خدشه ناپذیر تأمین گردد (که البته
گردد!)، مواد قانون اساسی در مورد
تشکیل شوراها (بعنوان ارگانهای اتصال
حاکمیت محلی از روستا تا استان) باید
بدون خدشه بوضع اجرا در آید (که در آمد!)
(پلنوم، ۱۲۸، ۱۵۰-۱۵۱) و در این
میان تنها چیزی که حتی حزب توده راهم
رنج داده اینست که: " قشرونی و
" واپسگرایان " با کمال تأسف بر محوریت
ضعف زنان میهن مای افزایشند، در حالی
که اینان سهم عظیمی در پیروزی انقلاب
داشته ولذا در قانون اساسی جمهوری
اسلامی هم مقام والای زن مورد ستایش قرار
گرفته است (پلنوم، ۱۲۸) فریب
شخویم و در شرایط کنونی جامعه ما حزب

توده با تبلیغ و ترویج اصل " خوب بودن
قانون و بد بودن مخالفان بورژوازی جبریان -
قانونی " و نیز با انبوه تأسف ناله های خود
قصد فریب خویش را اندازد و به پشتوانه
بیشش تشریح شده و پایگاه طبقاتی اثری به
قدر نفیث کارگرفته شده که حتی با ناکامی
جملگی شعارهای کارگرو توده فریب خویش
باز هم میدان را بازارد، حزبی که میدان
نه در جنبه طایفه توده که در سازش طبقاتی
و گذار مسالمت آمیز قرار دارد با شکست توده
- ها چه چیزی جز توهم آنان را میتراند از
دست بد هد؟ (البته اگر پایگاه های
میان توده ها داشته باشد که بداند) و
اینک حزب توده که علیرغم خیانتهای
شکاریه توده ها و سرپوش گذاردن بر همه
حنایتهای رژیم و توجیه سیاستهای ضد
کارگری، ضد خلقی و فاشیستی جمهوری
اسلامی خود در آبی که کسترده بود گرفتار
آمده است تنها باین ارجاع بسند میکند
که جناح راستگرو جنبه قدرت را تحفه
کرده و بگرمیان خود را از تمامی تئوریهای
روزیونیستی خود خلاص میکند تا شاید در
دورانی دیگر و احاکمیتی دیگر روی مسمت
- گیری سوسیالیستی را تحقق بخشد!

در خاتمه این بخش از مقاله توضیح این
نکته ضروریست که از بدگاه ما، و بنا به
- روی حزب توده از سیاستهای ا نحرانی
اتحاد شوروی و بی طرفی ارد و گاه سوسیالیسم
و یا حمایت حزب کمونیست شوروی از حزب
توده، بحثها یکسان دانستن آنها
نمیباشد. چرا که تئوریهای روزیونیستی
حزب کمونیست شوروی در یک ساختار
سوسیالیستی مطرح بوده و نمیتواند عملکرد
احتطای باید و محال آنکه همین تئوریها در
جامعه بورژوازی ایران علاوه بقی مبارزه
طبقاتی و ضد ستواری به پیروزی منجر
شده است.

در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بکوشید

با کمکهای مالی خود
سازمان را یاری رسانید

هم تلاش برای جذب اندوخته‌ها بیشتر است. بطوریکه هدف ریزم جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های کوچک، متوسط و ویژه سرمایه‌های بزرگ است. و در بخش این هدف، اما تحت عنوان منابع گروه‌ها و انتشاری که بسیار مرفه هم نیستند، چنین فرموله می‌کنند:

"مأمور کرده ایم در ارتباط بانک و مردم بانک بتواند پاسخگوی طبقات و اقشار مختلف مردم بانگیزه‌های مختلف باشد به این معنی که گروه‌های از مردم هستند که تنها سرمایه در راه ارتباط با پولی است که در بانک دارند و لزوماً این طور نیست که بگوئیم اینها از انتشار بسیار مرفه هستند. اینها از انتشار متوسط و حتی ممکن است از انتشار پائینی باشند که به این پول احتیاج دارند و بانک باید سرویس فراهم کند که بتواند در راه شریک داشته باشند. همچنین کسانی که در هر حال منابع نسبتاً قابل توجهی دارند و میخواهند پولشان در عین حال که در خدمت اقتصاد و مملکت قرار بگیرد، برای آنها نیز بازدهی داشته باشد. این امکان را فراهم کردیم که از طریق سپرده گذاری که پیش بینی شده بتوانند هم در عملیات توسعه اقتصادی - مملکت منابع خودشان را شرکت بدهند و هم اینکه به این طریق سودی بدست بیاورند" (کوبان ۴/۱۲/۶۱)

اما در بخش‌های دیگر می‌کند با بیان چنین عباراتی و ارائه طرح اسلامی بانکداری، عملیات بانکی بصورتی فنی و فزونی جلوه دهد و بر تمامی ارتباطات بانکی و حسابهای جاری و معاملات مالی که به نفع سرمایه - در آن انجام میشود، سرویس گذارد. اگر به نحوه بهمه توضیح سپرده ها و استناد لال نویختن در این مورد، در طرح بانکداری اسلامی اشاره کنیم در شرایطی جایی تردید نمی‌ماند. نویختن میگوید "بانکها در عملیات مختلفی شرکت می‌کنند. بهک مقدار از بوجه خود سرمایه بکار برده که این بوجه سودی خواهند داشت. از این سودها، ذخیره ایجاد میشود که برای بیمه کردن سپرده ها از این ذخیره استفاده خواهد شد. و سپرده‌ها استناد لال میکند یکی از خصوصیات بانکها که موجب جذب سپرده های مردم میشود ساله اش بودن سپرده ها است. مردم بانکها را اصل این و اینی می‌دانند و متناهی خصوصیات باید حفظ شود و هرگونه تغییر در این مسئله

ممكن است روی رابطه وانگیزه‌هایی که مردم در گذشتن سپرده در بانک دارند اثر بگذارد (بنابراین) بانکها اصل پول مردم را تضمین میکنند که از نظر شرعی نیز اشکالی ندارد که این امر اطمینانی به سپرده گذاران در جهت تشویق آنها در امر سپرده گذاری میدهد" (کوبان ۴/۱۲/۶۱)

بعبارتی هم ترفیع سرمایه در آن به سپرده گذاری و هم تأمین حد اکثر سود و از بین بردن احتمال خطر زیان و مسامحتی سرمایه در آن که این هر دو -

آخری از عوامل اولیه و اساس سرمایه گذاری هستند. از یک سو بانکها از طریق واسطه گری در معاملات و بکار انداختن سرمایه ها، پرداخت سود تلاش می‌کنند ترسیمی که در دل سرمایه داران در یکسار انداختن سرمایه های را گذشان در جهت تولیدی دارند. از میان بردارند همچنانکه در گذشته هم باطریق کردن برخی کارخانجات و بانکها در جمعیت نویی پذیرش توانمندی ناشی از انقلاب بورس سرمایه در آن را جبران کردند، و از سوی دیگر از تضمین و امنیت سپرده سرمایه در آن به مثابه حربه ای جهت تشویق سرمایه های را گذ بزرگ به سرمایه گذاری آماج تمام امان در دست کردن کلاه شرمی و سرویس گذشتن بر سیستم سرمایه دارانه بانک، استفاده کنند. بعبارتی مفروضاتی را که سران ریزم به خصوص دولت برای برآورد انداختن سیستم اقتصادی و گردش سرمایه ها اختیار کرده بودند برای شریعت بخشیدن به آن مفروضات بدنهال کلاه شرمی، میکنند و اکنون به برکت لامحه سیستم بانکی بدون بهره انرا یافته اند.

برای آنکه این و اساس سرمایه دارانه لامحه سیستم بانکی بدون بهره و برای آنکه عملکرد بانک اسلامی که در بخش دیگر مقاله در برخورد به جزئیات صوبه آن میگردیم، روشن تر گردد، به نقش عملکرد بانک در نظام سرمایه داری میگردیم.

نقش عملکرد بانکها در نظام سرمایه داری و متشابه بهره بانکی

اساساً نقش بانکها در نظام سرمایه داری را میتوان در این جمله خلاصه کرد "بانکها نمی‌گذارند هیچ پولی غیرمولد بماند". بانکها به مثابه بنگاه و موسسه سرمایه داری و به مثابه "مراکز جمعیت اقتصادی معاصر و مهمترین مراکز عصبی تمام سیستم سرمایه داری، یکی از ابزارهای بر اهمیت و مؤثر برای تأمین منابع سرمایه گذاران میباشند. بانکها این خدمت را از طریق عرضه سرمایه پولی انجام میدهند. بدین ترتیب که باید پیش از آن از آنها هر چند خرد و ناچیز و انباشته شدن این پولها، سرمایه پولی را در اختیار طبقه سرمایه قرار میدهند.

بانکون نظام سرمایه داری و روشند یافتن گردش پول و شروندن ترشدن جامعه که نتیجتاً افزایش نقاضا بر عرضه سرمایه پولی را در پی داشته‌وس از کاهش نقش رباخواران و جایگزینی سرمایه بانکی بجای سرمایه رباخوار، با بانکها به مثابه یک میانجی واسطه بین آنکه بدنیال سرمایه بدو و آنکه بین از نیازش پول انباشته کرده بود و خواهان تبدیل این پول انباشته شده سرمایه بود، عمل کردند. بانک این وظیفه را از طریق وام و اعتبار و تنزیل کردن استناد اعتباری انجام میدهد سرمایه پولی مورد نیاز سرمایه گذاری که خواهان افزایش سرمایه اش

بانک

بقیه از صفحه ۶

است را در اختیار می قرار میدهد. به سبب هیات سرمایه داران پولی اش را از طریق وام و قرضی که از بانک دریافت میدارد، تأمین میکند. سرمایه داران را رباخواهان سرمایه پولی اضافی است که با وام گرفتن و افزایش در تولید خصوصاً زمانی که کالا قابلیت جذب از سوی بازار را دارد، میتواند سودبری اش را از سرمایه گذاری افزون کند. بدین ترتیب بانک یا بیشتر بگوئیم سرمایه بانکی با ایفای نقش واسطه بین پولهای غیرمولد و را گذر و آنان که خواهان وام گرفتن هستند، در خدمت سرمایه صنعتی در میآید. بانکها از یک سو با انجام سرمایه های احتیاجی و از سوی دیگر با سرمایه بندی کردن در آمد ها و ذخایر اش اند از های پولی از آن انتشار مختلف، از مالکین گرفته تا تاد هفتان و کارگران که بلافاصله خرج نمیشوند، از طریق جمع آوری این اندوخته ها، تمرکز سرمایه پولی را به بالاترین درجه میسر میکنند. اما واسطه گری تنها وظیفه بانکها نیست. بانکها علاوه بر اینکه "سرمایه پولی غیرفعال را به سرمایه فعال یعنی سود آور تبدیل می‌کنند و انوا، عواید پولی را جمع آوری نموده و آنرا در اختیار طبقه سرمایه دار میگذارند و بر بدهی که معاملات بانکی توسعه می‌پذیرد و در دست عده قلیل از موسسات متمرکز می‌ماند. بانکها نیز نقش ساد و میانجیگری را بر عهده به صاحبان انحصارات بر قدرتی می‌دهند (لنین - امپریالیسم به مثابه آخرین مرحله سرمایه داری). بانکها سرمایه های جمع آوری شده را از چند طریق بکار می‌اندازند. یا اینکه بطور مستقیم در سرمایه گذاری شرکت می‌کنند یا اینکه از همین سرمایه های انباشته شده، وام و اعتبار را در ریافت در صدد بهره در اختیار سرمایه داران قرار میدهند. بانکها بدین ترتیب پولها و پس اندازهای مردم را بجای آنکه رالدماند و ذخیره شود از شکل پولی بصورت سرمایه مولد در میآورند بعبارتی سرمایه در صنعتی با سرمایه به وام گرفته شده، و سایر تولید و نیروهای کار خریداری می‌کنند و از طریق استثمار کارگران و به تبع آن تولید ارزش اضافی، شکل مواد سرمایه را بر سرمایه گالائی و سپس با فروش کالا، مجدداً به سرمایه پولی تبدیل می‌کنند با این تفاوت که دریافت پولی پیش از آنچه بکار انداخته بود، دریافت میدارد. بانکها برای ایجاد سهولت در بکار افتادن سرمایه ها از اعتبارات و سرمایه داران و دولت‌های مجرمانی برای هرچه بیشتر پنهان داشتن استثمار کارگران و تولید ارزش اضافی، از شرکت های سهامی سود بهیچونند.

پول و گردش اعتباری

گفته یکی از اشکال عرضه سرمایه پولی به سرمایه داران، بقیه در صفحه ۱۰

بانک . . .

بقیه از صفحه ۹

اعطای اعتبار است. این امر از آن جهت صورت میگیرد که ارزش کالاها تولید شده را قبل از فروش تحقق بخشد. بانک ایرانی اعتباری که از سرمایه پولی اضافی سپرده شده در بانکها تامین میگردد. در همین حال که هنوز کالاها از قبیل تولید شده و بفروش نرفته و سودهای توزیع نشده هنوز وجود دارد. - امکان تسهیل و تسریع گردش کالاها و تحریک هر چه بیشتر سرمایه در گردش را فراهم می کند و مدت زمان گردش سرمایه را مثلاً بصورت خرید اعتباری و وسایل تولید، کاهش میدهد و با گسترش صنایع و عملیات سرمایه بر سود بزرگ سرمایه می افزاید.

شرکت سهامی

شرکت سهامی نوعی مشارکت سرمایه است که در آن هر یک از سرمایه داران به نسبت مقدار سرمایه شان از تعداد اسمی سهام برخوردار میشوند. این سهم پس از گذشتن آن حق میدهد که از دست شرکت بعنوان سهامداران دریافت کند. بر همین اساس است که سرمایه داران و ولتهای سرمایه داری این نوع مشارکت سرمایه را بدلیل آنکه هر یک از سرمایه های خود وصی بدینانکه کارگران و زمینداران هم میتوانند پس اندازها را چیزشان را برای خرید سهام بکارند از دست. مشارکتی قسمه ای می کنند که در جهت باصلاح منافع تمامی اقشار میباشد. چرا که به ظاهر سرمایه داران منفعدی بر وسایل تولید مالکیت دارند. اما در واقع اینهم شکی از حکومت سرمایه و بیابانگر بر حاکم همی در تراکم سرمایه است. زیرا انجام در خرید و در حقیقت پس اندازهای عملاً در اختیار صاحبان صنایع و بانکداران که قسمت اعظم سهام را در اختیار دارند، قرار میدهند. و این صاحبان سهم های بزرگ هستند که کنترل سازمان و ادین شرکت های سهامی را در اختیار میگیرند. از این جهت یکسان دانستن سهام یک سرمایه دار که یاد آمد ناشی از فروش نیروی کار کارگران، گردان زندگی میکند یا سهام سرمایه خرد، فرقی بیسیک نیست. که در اینصورت میباشد یک کارگر میانه حال را هم یک سرمایه دار دانست!

در سطوح پیشین گفتیم بانک با انباشت و تمرکز ذخیره های سرمایه پولی راه وام در اختیار سرمایه دار قرار میدهد. اما عیبی است برای آنکه مردم حاضر شوند پول خود را به بانکها سپارند. بانکها از صدی به عنوان بهره به آنها میدهند. اما در اینجا این سؤال پیش می آید که این بهره چگونه تامین میشود. گفته میشود از بهره وامی که سرمایه دار به ازای دریافت قرض به بانک میدهد و یا از سودی که بانکها در اثر به کار آمدن اکتان سرمایه های جمع شده میبرند. اما در واقع منشاء بهره بانکی چیست؟

منشاء بهره بانکی - نرخ بهره

بر اساس آنچه گفتیم و سرمایه دار صنعتی (سرمایه تولیدی) نقش مستقیم در تصاحب کار اضافی طبقه کارگر یعنی ارزش اضافی دارد. از این رو منشاء بهره و سود بانکی را نیز باید در دور کارخانه ها یعنی در بخشهای تولیدی آنجا که کالا تولید میشود، جستجو کرد. زیرا تنها در این رشته است که ارزشی (به ارزش کالاها) به تولید کاری که بر روی آنها صورت میگیرد، اضافه میشود.

میدانیم صاحب سرمایه کالا را به ارزش واقعی آن یعنی محصوله مقدار کاری که برای تولید کالا صرف شده بفروشد و برساند. فرض کنیم کارفرمائی کالا را با قیمت (بیان پولی ارزش) ۶۰۰ ریال بفروشی رساند. و از این مقدار مثلاً ۶۰ ریال ارزش مواد خام مصرف شده و ارزش ناشی از مستهلك شدن ماشین آلات و... باشد و ۵۰۰ ریال از ۶۰۰ ریال باقی مانده را نیز میتوان دستمزد به مثابه بخشی از ارزش کالا انجام شده بکارگر پرداخت نماید. نیم دیگر آن (۳۰۰ ریال) برای سرمایه دار یعنی میماند بدون آنکه هیچ تعدلی در مقابل آن پرداخت کرده باشد. از این رو کارگر میباید مواد خام محصوله ارزشی به مواد خام افزوده که با دستمزدی که دریافت میدارد، تفاوت دارد که این تفاوت نصیب سرمایه دار میشود. این تفاوت همان ارزش اضافی که سرمایه تصاحب میکند. به عبارتی ارزش اضافی نتیجه آن بخشی از ارزش کار انجام شده است که دستمزد به آن تعلق نگرفته است. اما سرمایه داری که کار بدون دستمزد را مستقیماً از کارگران میدوید و در کمالا تثبیت میکند، البته نخستین متصرف این اضافه ارزش است ولی بهیچ وجه آخرین مالک آن نیست. وی باید بعداً این اضافه ارزش را با سرمایه داران تقسیم کند که وظایف دیگری در مجموعه تولید اجتماعی انجام میدهند یعنی با مالک زمین و غیره.

بنابراین اضافه ارزشی به قسمت های مختلفی تقسیم میشود کسبوان بدست های گوناگونی از اشخاص می رسد که هر یک از آن کسرها در برابر یک پیرا شکل مختلف و صنعتی میباشد. می کند، مانند سود، بهره، سود بانکی، بهره زمین و غیره (مارکس - سرمایه). اما زمانی بخشی از اضافه ارزش بصورت سود بانکی در اختیار تاجر قرار میگیرد که صاحب سرمایه تولیدی، محصولش را با این نرخ از ارزش آن بفروشی برساند و از این طریق بخشی از ارزش اضافی بدست آمده از استثمار کارگران را به تاجر واکد میکند. مطابق با مثال فوق، اگر کارخانه را محصولش را به قیمتی کمتر از قیمت تولید (۶۰۰ ریال) بفروشد ۴۰۰ ریال یعنی کمتر از ارزش آن بفروشد و تاجر هم بعد از محصول را به انداز ارزش آن بفروشد، مابقی تفاوت دو قیمت سود بانکی است که نصیب تاجر شده است. عبارتی تاجر هم مانند کارخانه دار سود متوسط سرمایه خویش را دریافت کرده که در واقع ارزش اضافی است که بصورت سود بانکی در گانی در آمده است. بنابراین از آنجا که

سرمایه تجاری در تولید شرکت ندارد، سود بانکی نیز از تجارت یعنی روند گردش کالا بدست نیامده بلکه جزئی از کل ارزش اضافی استثمار کارگران است. مجموعه طبقه سرمایه دار که در صنعت و تولید خود سرمایه بزرگش نماید. (مارکس - سرمایه) در مورد بانکداران و بهره بانکی نیز همین مسئله صدق میکند. سرمایه دار صنعتی و تاجر از آنجا که معمولاً سرمایه ها - هایشان در گردش است و از این رو هنوز سودهای توزیع نشده وجود دارد، ولی در همین حال نیاز به سرمایه اضافی دارند، از بانکها برای تامین سرمایه اولیه وام میگیرند و در مقابل مثلاً در پایان سال، همان مقدار سرمایه را به اضافه بهره سالیانه به بانکها پس میدهند. روشن است که صاحبان صنایع و تجار، بهره پول خود را از محصول سودی که میبرند به بانکدار میبرند. بدین هنگامه برای پرداخت بهره پول به باجباران صنعتی از سود خود صرف نظر کرده و در برابر اختیار بانکداران قرار میدهند. در نتیجه بهره چیزی نیست جز قسمتی از ارزش اضافی اضافه ای که از طریق وام گرفتن سرمایه بدست آمده است. اما هنوز عملکرد سرمایه بانکی، محدود به اعطای وام و اعتبار و دریافت های حاصل از بهره پولی نیست. بانکها مستقیماً در سرمایه گذاری (تولیدی، تجاری و کشاورزی و...) شرکت میکنند و از این جهت سودی بدست می آورند که از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران خواهد بود.

از مباحث فوق میتوان تا قسم ارزش اضافی را بصورت درآمدهای سه بخش کرد

- ۱- سود سرمایه صنعتی (صاحبان صنایع)
 - ۲- سود سرمایه تجاری (باجباران)
 - ۳- بهره و سود سرمایه بانکی (بانکداران)
- که مجموعاً بصورت سود سرمایه، سودهای توزیع نشده در صورت کارکنان ظاهر شوند. مختصر آنکه سرمایه دار صنعتی یا صاحب مستقیم ارزش اضافی، در برابر تبدیل سرمایه کالائی سرمایه پولی و بانکداران با تمرکز و باجباری سرمایه پولی، هر یک سهمی برای خود بنقل سود از ارزش اضافی که طبق کارگر تولید کرده است بر میوردارند. سرمایه داران صنعتی بصورت سود صنعتی، بانگانان بصورت سود بانکی و بانکداران نیز بهره وام را بدست می آورند.

نرخ بهره

گفتیم هر سرمایه داری در پی یافتن سرمایه اضافی است و گفتیم بانکها با اقبالی نقش تمرکز وسیع سرمایه های اجتماعی و انداختن های هر مقدار پولی را به سرمایه پولی تبدیل میکنند. بنابراین نرخ متوسط در نتیجه را کمتر تقابل عرضه و تقاضای سرمایه پولی شکل میکنند. مسلماً باک چنین رابطه ای میان روابط تولیدی معینی است که فشار میدهد ذخیره های پولی سرمایه تبدیل شود تا در نتیجه بقیه در صفحه ۱۱

تولید شده و توسط کارگران را بخود اختصاص دهد. میر همین اساس نیز روشن میگرد که سرمایه آنگونه که بجزوازی بود و تقسیمهای سرمایه برای حفظ "تقدیر مالکیت" نقد از معینی پول یا وسائل تولید، تعریف می کنند نبود. بلکه سرمایه یک رابطه اجتماعی - تولیدی معین تاریخی است که در آن وسایل تولید در مالکیت خصوصی سرمایه داران برای استثمار بهره کشی از طبقه کارگر بکار گرفته میشود. از این رو سرمایه ارزشی است که با استثمار کار مزدوری، ارزش اضافی، تولید می کند.

اشاره کردیم که نرخ بهره بستگی به عرضه و تقاضای سرمایه دارد و وسیله سود های حاصل از بکارگرفتن خود سرمایه تنظیم میشود. بر این اساس بهره غالباً کفرا سود است زیرا در صورت برابری آنها، وام گرفتن هیچ ضرورت وجودی اش را از دست میدهد. چرا که سرمایه دار هدفش از وام گرفتن سرمایه، تأمین متوسط سود است. بنابراین با در نظر گرفتن رابطه ارزشی - اضافی، سود، بهره و سود بازرگانی و رابطه این سه شکل تبعی ارزش اضافی با یکدیگر و نتیجه به درجه استثمار کار در شرایط مختلف، میتوان گفت تعیین و نوسان نرخ بهره بیش از همه به افزایش و کاهش ارزش اضافی بستگی دارد، که میتوان این تفاوت نرخ را در بخشهای دراز مدت، کوتاه مدت بهره مشاهده کرد. غالباً ما کمتر در مواردی از جمله کمبود پول، بهره سیرود، سهام دراز مدت (سیرود سرمایه گذاری) که در سرمایه گذار به نفع بیشتری دارند، بیشتر از نرخ بهره سیرود های کوتاه مدت است. اما، بهره حال نرخ بهره در حد قابل معینی میتواند نوسان کند که این حد معین نمیتواند بیش از حد متوسط سود سرمایه ها در فعالیتهای مختلف اقتصادی باشد و نه میتواند از حد مغربه پائین میل کند.

اما آنچه بر شعردیم در مورد اقتصاد های با اصطلاح امیرال صدق میکند، در کشورهای تحت سلطه وضع بانکداری و نرخ بهره به گونه ای دیگر صورت میگیرد. در این گونه کشورهای از اتحاد دولت، برضای اساسی مالی و اعتباری کشور دارد میتواند تعدد ارقام و اعتبار و نرخ بهره را بدون در نظر گرفتن ضوابط اقتصادی - که بهره حال کاملاً مستقل از مکانیسم بازار نیست - که بیش از این بر شعردیم، تعیین کند. چنین دولتی به نظرم نتیجه و گسترش هر چه بیشتر سرمایه آری داشته، نرخ بهره را به صورتی بسیار پائین تر از بهره میماند. اضافه کنیم که مسئله به صفر رساندن نرخ بهره در کشورهای امپریالیستی (سرمایه داری دولتی) نیز صدق میکند. در بهره، یک رهنمود سرمایه داری است، یکی که عمل سرمایه داری در ملت اختلال در گردش سود است. مورد استفاده قرار خود به این مسئله

بانک

بقیه از صفحه ۱۰
در حوصله این نوشته نیست، به آن نمی پردازیم.

به صفر رساندن نرخ بهره را بیشتر توضیح دهیم. هدف آنها هنگامی که شخصی پول به بانک می سپارد، انتظار دارد پس از گذشت یکسال، با احتساب نرخ تورم، مقداری پولی که دریافت میکند، بیشتر خرید تو به اندازه سال گذشته باشد. همین مسئله در مورد بانک هم صدق میکند هنگامی که به سرمایه دار صنعتی و با تجار و... وام میدهد. بدین معنا که بانک نیز می باید علاوه بر اصل پول خود، حلی برای جبران تورم، همچنین از آنجا که بانک هزینه های مختلفی از جمله حقوق کارکنان بانک و غیره دارد باید درصدی حبت تا همین هزینه های لغرائی وصول کند. و علاوه بر این بانک بخاطر عدم استفاده از سرمایه اش درصدی نیز میتواند بهره که بخشی از سود متوسط سرمایه داری است، دریافت میکند. با این حساب بر بنیاد نرخ بهره بانکی مثلاً در شرایط کنونی ایران، حتی اگر نرخ رسمی تورم را قبول کنیم، با در نظر گرفتن نرخ هزینه های اجرایی نرخ بهره بانکی که بانک از وام گیرندگان (سرمایه داران) - وصول کند می باید بیش از بهره ای باشد که هم اکنون سرمایه داران به بانک میزدانند. اما همینانکه شاهد بودیم نرخ بهره بانکی چه در رژیم پهلوی و بیشتر در جمهوری اسلامی به برکت درآمد نفت همواره پائین از صفر بود که این خود جزئیته ای است بسیاری سودبری بی روح و زحمت سرمایه داران از منابع و ثروت های ملی.

بدین ترتیب روشن میگرد که بانکها و بانکداران از روی نوع دوستی نیست که به عنوان واسطه بین عرضه کنندگان و تقاضایان سرمایه پولی عمل میکنند. عملیات بانکی نیست مانند سایر عملیات سرمایه داری در راه - هدف معینی انجام میگیرد. سود بسیاری سرمایه داران که سرچشمه آن همان ارزش اضافی است و در این میان سود بانکی نیز در اصل عبارتست از مابه التفاوت نرخ بهره ای که به پیمانداران بکارگزاران پول میدهد و نرخ بهره ای که از انصار بگیرندگان دریافت میکنند. هدف که بر این سود باید درآمد های دیگری نیز افزود از جمله سودی که در اشرف بکار انداختن سرمایه های جمیع شده در بخش تولیدی میگردند که بر حسب بیشتر از بهره ای است که به مشتریان خود میدهد و همچنین درآمدی که از انواع کمیونها و حتی دلانی و حق العمل کاری برای سرمایه گذارها و انواع معاملات ارزی کسب میکنند. در مورد مابه التفاوت نرخ بهره اضافه کنیم که در حقیقت بانکها برای سیرود ها کسبه توسط سرمایه داران صنعتی، تجار و غیر توسط گروههای مختلف مردم در بانکها به

و دیده گذاشته شده، بهره کشی از بهره سرمایه به وام داده شده به سرمایه داران میزدانند و این مابه التفاوت سود آنها را تشکیل میدهد.

اکنون بیا توجه به آنچه در مورد سیستم بانکی بطور کلی در حواله سرمایه داران گفتیم و بانگرتی دوباره به در نظر گرفته شده از سوی رئیس گن بانک مرکزی و نیز تأیید شده است. اینست که سرمایه گذاران با یکی هر یک بخشی از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران است و مشخص میشود که آنچه تحت عنوان "بانک اسلامی" و "سود بهره" و قرار گرفتن سود بجای بهره از روی رژیم مطرح میشود، در ماهیت امر، استثمار کارگران به نفع سرمایه داران نقاب زنی نیست و عملیات بانکی سرمایه داران به شرح اسلامی بانکداری بازم راه انداختن کار سرمایه داران بفرج تولید کنندگان واقعی یعنی کارگران و صنعتشان راه هدف دارد.

بها نقش بانک و معنای "سود بهره" از روی رژیم خود همین این تشابه و همسانی است. اما این مسئله (سود بهره) بدین معنا نیست که از فعالیتهای سازنده ای که بانکها میتوانند انجام دهند جلوگیری شود. زیرا فعالیت بانکها با آنچه به نفع آنهاست در فعالیت اقتصادی کشور لازم است بانکها باید درآمد شریعی (ا) برای کسانی که پول خود را به آنها سپارند تأمین کند.

اساس لایحه خدمات بانکی بدون بهره، به منظور شرکت همه حائیه بانکها را توسعه فعالیتهای اقتصادی و تأمین مایهات مشروع برای بهره گذاران، بانکها فقط مسئله عنوان تأمین کنند و منابع مالی بنگاه در کلیه فعالیتهای اقتصادی کشور علاوه بر تأمین منابع مالی مشارکت و سرمایه گذاری خواهند کرد.

(کمیسیون ۱۲/۱۲/۵۶) رژیم همسر چند ره عواقریبی دست زنده و کلاه شیری نشاند و بازم تا جارا ماهیت اش را آشکار میکند. خوشبختی ها که در اقتصاد به نتیجه کار کمیسیون ویژه بانکی مجلس، فریاد میزند که "بجای دادن بهره به صاحببیل با او یک معامله ظاهراً شریعی انجام" میشود و (اطلاعات ۱/۹/۶۱) بانکها تقاضا میکنند که "سود" را کلاه شیری تعبیر نکنند.

طبق آماري که مسئولین دارند سود حدود ۹۰٪ برگ سیرود عاقریبی اند از های موجود در بانکها و تعلق به ۵٪ کسب سیرود گذاران است. ماباید به هم آن ۵ درصدی که ۹۰٪ سیرود به حساب در اختیارشان است آنها... وسیع استی رسیده (اند) که حاضر باشند بیایند. ۵۰٪ ۲۰٪ میلیون تومان پولهای را گذاران را در داخل سیستم بانکی بگذارند و بگویند ما بهره نخواهیم و فقط به خاطر ثواب این کار را کردیم. اگر اینطور بود یقیناً ما حصول به این شیوه شایسته ایم ولی واقعیت این است که اینطور نیست. بقیه در صفحه ۱۲

پانک . . .

بقیه از صفحه ۱۱

صاحبان اندوخته‌ها

برای پولپایان سود بهره می‌خواهند و اگر ما بگوئیم بهره حذف شود و جای آن - ایزاری در اختیار سیستم بانکی قرارند هم که با استعداد ازان ابزار این اندوخته‌ها را در داخل سیستم بانکی نگه‌دارد طبعاً اینها پولپایان را از بانک‌ها خارج می‌کند و شما مده‌اند که فقیه این وضع چه خواهد بود که در حال حاضر آن در صدها بیایند آن . . . درصد موجود بهار از بانک‌ها بیرون بکشند بدلیل اینکه وقتی بهره نبود آن فرد آب و نفت و پولش را در بانک می‌گذارد . طبعاً وارد بازار آزاد می‌شود پارامخواری در بازار آزاد رواج پیدا می‌کند بیه بوس سازی روی کالاها می‌کند و با خرید کالا های مصرفی بهتر از اندوخته صرف و کالا های لوکس و تملک روی بی آورد . بهر حال مادر و منی هستیم که ناچاریم اگر بگوئیم بهره نباشد ایزاری در اختیار سیستم بانکی قرارند هم که با آن ابزار اولا اسلامی باشد بخلاف شرح نباشد و من تعاضاً حکم این جنبه ، کلاه شرعی تعبیر شود . (۶۱ / ۱۱ / ۲۰)

نیازی نیست که به کلاه شرعی تعبیر شود ، خود کلاه است . لایحه سیستم جدید بانکی بدون بهره ، آنقدر صریح و روشن مقصود دفاع از سرمایه داران را بیان می‌کند که انصاری در مجلس می‌گوید : هیچ ابائی نداریم که سود بدست آوریم . رژیم بدنیال شکست طرح‌های گذشته در جذب سرمایه ها و حرکت در آوردن چرخه‌های اقتصادی برای غلبه بر حمران ، اهرم‌های می‌جست تا شاید اقتصاد ورشکسته و بیمار را نجات دهد و نظم سرمایه دارانه را برقرار کند و ارائه طرح مشخص سیستم " حد سود بانکی بدون بهره " کوششی برای تسهیل سرمایه های راگد به سرمایه مولد جهت بالا رفتن درآمد حاصل از تولیدات داخلی در بخش خصوصی و تلاش است برای هماهنگی و پیوند سرمایه های " سرگردان " با سیاست رژیم در برقراری نظم سرمایه . و این هماهنگی آنجا تحقق می‌یابد که سرمایه ها را رگد به کف وضعیت نایب همبیار مالی بنشاند . و " سیستم حد سود بانکی " آن اهرم هماهنگ کننده است که می‌بایست اطمینان به تامین سود سرمایه داران و - نتیجتاً جذب سرمایه های رونق تولید و توسعه گردش درآمدن سرمایه های راگد را تامین کند . اما شکست این طرح برای رفح حمران

از هم اکنون محل است . زیرا آنچه مانع پیشبرد این لایحه است ، مبارزه کارگران و محنتشان است که نمی‌گذارد ، در سرمایه ستد این رفیقی به سوی سرمایه گذاری روند پیدا آورد ، و محتام بخش ها و مانورهای دولت را به نفع سرمایه داران بی اثر می‌کند

در اینجا این بخش از مقاله را پایان میدهم . در بخش دیگر در عین برخورد به مواد حقوقی " ربحه سیستم عملیات بانکی بدون بهره " نشان خواهیم داد که رژیم چگونه از کسب و کارهای کلان حلقه دادن رسا و بهره در رواج سرپوش گذاشتن سرمایه به مثابه یک رابطه اجتماعی تلاش می‌کند تا به تنهاسودبری از سرمایه گذار چهارانگشت عنوان عقود اسلامی تامین کند بلکه بسا دستکاری در شرح بهره تا حد صفر و یا زیر صفر رساندن آن به عنایت دشمنی چون نفت سود سرمایه را تضعیف نماید . و از سوی دیگر نشان خواهیم داد که رژیم با طرح سود بجا آورده و نیز " سود های ترجیحی " در عین اطمینان خاطر دادن سرمایه داران در تضمین اصل پولشان و کسب حد اکثر سود و نقد آن خطوطی کشی ، برای تسهیل سودبری سرمایه داران بی افزایش نا اطمینان طریق با جذب سرمایه های بزرگ به روند تولیدات داخلی بر حمران فائق آید .

پاسخ . . .

بقیه از صفحه ۳

در حاشیه . . .

سائل اصلی انقلاب حفظ شود در بی بدست آوردن سود مشروع و معقول هم هستیم و هیچ ابائی نداریم که سود بدست آوریم .
(بنده بحث لایحه ، اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲)

زواره ای (اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲) :
" بهره ای را که با بقایانک می‌گرفت بصورت حاشیای بایک کلاه شرعی از طرف می‌گیرند .

موسوی مجتهدی (اطلاعات ۱۸ / ۲ / ۶۲) :
" این سود ها ، ها ، سود های سرمایه گذاری است و من باید با اینها کار کنم - اینها ارزش کرد و بخش از سهم باید به سود داران برسد نایب این ترتیب کارهای جامعه مگر در بیاید .

نویسنش (اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲) خطا :
به نمایندگان : شما اجازه دارید و جوهر تحت عنوان سود سرمایه گذاری در واقع جمع شود . بنابراین باید اجازه دهید این سرمایه گذار این بهار رجاهاتی بکنند . انتظار سود است .

خیبندی ها (اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲) :
" همه آن کسانی که از باب تغییر نظام عملیات از سوی رجوع که ازین میروند برای هر نوع فعالیت پول پیدا می‌کنند و بعد از این تغییر نظام

بهائتگر چیزی جز سرگردانی شما نیست .

مایانه عملی خود را به نامه شما بزودی با انتشار بر نامه ای خواهیم داد که هم اکنون طرح آن آماده انتشار می‌گردد است . ما این طرح برنامه را پیش از مصوب شدن در سطح نخست به بحث خواهیم گذاشت تا تمام سازمانها گروهها و هیاتها خود را پیرو این بندهند این ارائه دهند ، و همین - داریم که چنین برنامه ای می‌تواند شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را داشته باشد و نه آنچه که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید .

کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران

۶۲ / ۳ / ۱

مبارزات و فعالیت‌های انقلابی رفقا و هواداران سازمان در خارج از کشور

شک نیست که مردم با قیام مبارزه طبقاتی انجامی است که توده‌های میلیونی حضور دارند، اما هیچگاه مبارزه انقلابی در محدود و مرزها محدود نمی‌ماند. اگر رفقای ما در سایه شوم خفقان حاکم بر جامعه و طغیان حضور و قوه مزدوران - مسلم رژیم در هر کوی و بیابان، بی‌استلاسی خستگی ناپذیر و وظایف سازمانی و مبارزاتی خسته‌ترانه، حتی می‌تواند در پیش‌پا نیکی که نسبت به داشتن یک اعلامیه و تراکت بخواهد رژیم مبارزات اقدام راه‌نیال دارد، و مدتها گذشته، نسبتاً و بیشتر به سازمان‌ها به توجه خاص رسانند و هرگاه به اسارت رژیم درآیند، یا مقاومت‌های قهرمانانه و حماسی خود، بجزه جلاوران و شکنجه‌گران را بدان می‌سازند و فدائی را با سرور رهائی کارگران و دستکشان برای جبهه‌های مبارزه رفقای ما در خارج از کشور، بخشی دیگر از بار جنبش را بر دوش گرفته، به اشکال مختلف هم‌زمان را در بر اخل باری می‌رسانند و این رسم فدائی است که در هر کجا و تحت هر شرایطی در جهت پیشبرد وظایف انقلابی پیش‌بینند.

باید اطمینان کرد که جنبش دانشجویی در خارج از کشور و جبهه رفقا و هواداران سازمان، وجه در رژیم گذشته و جبهه در رژیم کنونی و همواره نقش سازنده در آشنائی هر رژیم جنبشکاران با رفقا و بزرگان و بزرگان و سال‌ها هم‌زمان با سرکوب‌گریان و بدترین رژیم جمهوری اسلامی و رفقای ما در خارج از کشور نقش ارزنده‌ای در آشنائی جنبش‌هاست رژیم محمده داشته‌اند. آنها با برگزاری راهپیمایی‌ها، میتینگ‌ها، اشغال سفارت - خانه‌های رژیم و... افکار عمومی جهان را متوجه فعالیت‌های ما در ایران می‌کنند، نمودارند. فعالیت‌های ما در دفاع از زندانیان سیاسی، با همیاری دیگر کشورهای آزادی‌خواه و مبارزان و سوسیالیست‌ها و نیروهای انقلابی و مترقی، سازمان‌ها و جنبش‌ها بین‌المللی را وادار است تا خواستار رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی ما در ایران شود و سراج‌های قرون وسطائی رژیم شود و هنگامیکه رژیم جنبشکار جمهوری اسلامی از این امر بی‌بازرد، چهره کره رژیم بهتر از پیش‌پا نیکی کردید. افتخار شکوه‌های و شهنشانه رژیم در زندانیان و مجاهدان سیاسی دسته جمعی و دستگیریهایی گسترده و گام ارزنده و دیگری در دفاع از حقوق اولیه زندانیان سیاسی این فرزند ان راستین خلق بود.

انتشار نشیبه "جهان" ارگان هواداران سازمان در دفاع از کشور که هم‌زمان با اولین سالگرد قیام (جهانگیر قلم) - همانند واپ (اولین شماره آن منتشر شد پسین ۶۰) و هم اکنون نیز بطور ماهانه انتشار می‌یابد، نقش ارزنده‌ای در توضیح و

تبلیغ مواضع سازمان چهره‌های خدائی است. چنانچه بعد از نشریه کار و پرکاری که در بر نشانه عمل، پیش‌پا نیکی است و مشاغل و مشاغل آموزش، تهیه و چاپ بیشتر هائی از رفقای شهید سازمان و... از دیگر فعالیتهای رفقا بود. همچنین هم اکنون گروه‌های انجمن‌ها نیز به کار می‌زنند و فعالیت‌های انجمنی و فرهنگی تحت عنوان منتشر می‌شود.

طی چند ماه اخیر فعالیتهای اشکال‌گرفته صورت گرفته است:

- ۱- اشغال دفتر هواپیمائی ایران در هند هم‌زمان با برگزاری بازیهای آسیائی.
- ۲- در روز ۸ مارس ۱۱ تن از رفقای زن - خود را به محل کتف‌آس رسانند و به میله‌ها می‌چسبند و زنجیر گردن‌ها را تا آسایش از اسارت زنان را در رژیم جمهوری اسلامی به نمایش می‌نهند.
- ۳- ۹ مارس - بنامین در آوردن صحنه‌ای از افسانه‌های رژیم ("افندام در ملا عام") در مقابل روزنامه‌های سرسری هند. این صحنه انجمنان طبیعی بود که صدها تن در محوطه تجمع کرده و تراکت‌های خیابان که از پرجمعیت‌ترین نقاط دهلی است دچار اشکال شد. این حرکت نمادین بطول انجامید و با رسیدن پلیس به محل رفقا - پراکنده شدند.
- ۴- ۱۰ مارس - در مقابل هتل محصل اقامت خبرنگاران خارجی که در رابطه با کتف‌آس غیر شهید‌ها به دهلی آمده - بودند، رفقا خود را به مدت ۲۴ دقیقه زنجیر کردند و هم‌زمان ۲۰۰۰ اعلامیه بزبانهای هندی و انگلیسی پخش شد. علیه رژیم سانسور حاکم بر روزنامه‌های هند و آکسیون‌های قوی در سطح مختلف انعکاس یافت و پیچیده کره رژیم جمهوری اسلامی بهتر از پیش‌پا نیکی کردید. این فعالیتهای شریک‌ها صورت گرفت که پلیس خود شورش هند، کنترل شدیدی بر دهلی داشت و حتی از تاریخ ۱۸ فوریه تا ۱۰ مارس سه ایرانیان مخالف رژیم کتف‌آس کردند و بود از محل اقامت خود خارج نشوند و در سطحی اقامت ایرانیان پلیس بطور شهنشانه روز کشیک نهاد.
- ۵- برگزاری مراسمی بنامیت سالگرد رستاخیز سهاگل و قیام.

همچنین هم‌زمان با ورود ولایتی وزیر خارجه رژیم به نیویورک جهت شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل، یکسری نظایرات موفقیت‌آمیز توسط دانشمندان هواداران سازمان‌های انقلابی صورت گرفت که رفقای ما در این حرکت شرکت فعال داشتند. جنبش دانشجویی خارج از کشور، طی دو سال اخیر

جنبش انقلابی خلق کرد

انتخاب سراسری در کردستان

بدنبال عملیات قهرمانانه پیش‌پا نیکی کرد در شهرهای کردستان بجزه در مه‌پایان و کشته شدن تعداد کثیری از مردان رژیم از جمله جانشین فرمانده، فراگاه حمزه، رژیم جنبشکار جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۴ خرداد ۹۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق کرد را به جبهه اقدام سیر و سپس اعلام کرد هر کس می‌خواهد جبهه فرزند شهیدان را بگیرد باید یک جعبه شیمیایی و یک دسته گل بیاورد تا جسد را تحویل دهد! مردم قهرمان شهرهای کردستان در اعتراض به افسانه‌های دست‌جمعی و تبلیغاتی که دولت سازمان‌های مترقی و انقلابی خلق کرد از تاریخ ۹ خرداد به مدت سه روز دست به انتخاب عمومی زدند. مردم تمامی میزانه‌ها را بستند، کارگران بجزه در دست‌جمعی کارخانه‌ها را تعطیل کردند. حتی میزانه‌های عمومی از جمله تاکسی‌ها دست از کار کشیدند. همچنین در راهپیمایی که به همین مناسبت در سفنج برگزار شد مردم به چند جایش مزدور حمله و شده و آنان را سب و توبیخ کردند و شعار سرک سرخ‌پوشی دادند. در اولین روز انتخاب در مه‌پایان یک جناح خودفروش بدست سازمان‌های انقلابی خلق کرد اقدام انقلابی شد. رژیم جمهوری اسلامی که از انتخاب سراسری مردم قهرمان کردستان وحشت زده شده بود در راهپیمایی‌ها اعلام کرد که مردم بخاطر کشته شدن این جانشین خود فروش سه روز برای عمومی دارند و سعی کرد تعطیلی عمومی را در رابطه با باری قلندار کند. همچنین علیه کنترل شد بدشهرها از سوی مزدوران رژیم، پیش‌پا نیکی قهرمان خلق کرد در سومین روز انتخاب وارد مه‌پایان شده و مرکز راهپیمایی تلویزیون و چند پایگاه رژیم را مورد حمله قرار داد و سازمان به پایگاه‌های خود بازگشتند. ضنا بر طبق گزارشات رسیده، در شهرهای ستر، بانه، مه‌پایان، سفنج، بوکان و نغد و تمام میزانه‌ها بسته بود و بسا تمام فشاری که مزدوران رژیم بر مردم زحمتکش کرد وارد آورده‌اند، نتوانسته‌اند انتخاب عمومی را بشکنند و حتی در شهر نغد که توسط از اهالی کرد نیستند و انتخاب عمومی کلاً رهاست شده و مردم زحمتکش ترک نشدند و نیز با تعطیلی میزانه‌ها و... از مبارزات خلق قهرمان کتف‌آس در شهنشانه‌ها کردید. مردم قهرمان کردستان با حرکت یکپارچه خود وارد یکسری از بهترین رژیم و در آشنائی با سرکوب خلق کرد بنامین نهادند.

حقوق ملل در تعیین مسیر نوشتن خویش حق مسلم آنهاست

تصرفات خود را هائین شکل سرامی بخورد
نگرفته بود و مبارزه پرولتاریای انقلابی سطح
استقامت سیاسی هکتاری وید ارج هائینسر
آن ارتقا نیافته بود. توده هائینر اما در
دست بردن به سلاح راهبند انگرده بودند.
یا باید متکی به توده هابود و انقلاب را در
بسیان احتمالی خود سازماندهی کرد یا به
زودینت های سیاسی از "بالا" پرداخت و به
پشتیبانی از پرولتاریا استفاده از قابلیت های
فئین المینی و لغوش کرد. سازمان مجاهدین
بنابینه ماهیت طبقاتی خویش راه دور را -
برگردد - خرد و پرولتاریا هر زمان و هر کجا که
پرولتاریای متشکل را پیش روی خود ندانند
باشد هرگز قادر نیست یک سیاست انقلابی در
مقابل پرولتاریا اتخاذ کند. مجاهدین همانند
همه جنبش های خرد و پرولتاریا همواره از -
پرولتاریا بهره مند شده اند و هئین هم توهم
ارند. اینکه از نظر کار مجاهدین انقلاب
ایران بر اهل پرولتاریا و مگر اتیک خود را طس
نگردانند که آنان همچنان در میان پرولتاریا
حیالاً اقتدار "ملی مترقی" سگرددند و هئین
همه خطای مجاهدین نیست. فاجعه
آنگاه تکمیل میشود که می بینیم سازمان
مجاهدین در شرایطی که پرولتاریا عملاً و
شخصاً یک پدیده ارتجاعی تاریخی تبدیل
شده است، بدان بعنوان نیروی محرکه
انقلاب متگرد تلاش میکند یک واری آن
پرولتاریا را به جنگ آورد. آنها هئین انتظار
دارند که پرولتاریا در پیشانی رالیگ بگوید،
ارتش سرگورکش را باری آنها بفرستند،
رهبری آنها را ببرد و بطور همه جانبه از
آنها پشتیبانی نماید! البته پرولتاریا همه
این "خواستها" تن میدهد، ولی مشروط
بآنکه مجاهدین حتی یک گام هم از اجدان
و نیات آنها بافراتر نرند. تجربه می خورد
نشان داد که اگر این واقعیت هئین برای
رهبری مجاهدین شناخته نشده باشد، -
برای نیروهای پایه و تشکیلاتی این سازمان
اگر محصل تبدیل شده است. امروز
دیگر هر چه بگویند و بگویند که نیست که نمارش
هکس مجاهدین برای سرنگونی حکومت و
تاکتیکهای زمانبندی شده آنان برای "کسب
قدرت" بدین انگا و امید بشتن بحمايت
"ارتش" قلمبه اند از به بوج و هئین بوده
است. لکنکه مجاهدین از اتالی بسیار
پرولتاریا وانگا به ارتش سرگورکش آن
مقتواستند قدر ترا بیک او ندانند، امروز
یک امر فرمی تبدیل شده است. آنچه
اهمیت دارد اینست که قدرت عمل ایس
اقتصادی نام و تمام به نفوذ تسود ای
مجاهدین، به هئین طبقاتی این نیروی
سیلی و هئین از همه جریخهای آن بیست
پرولتاریا دارد. قدر مسلم اینست که هئین
همه جریخهای مجاهدین، ارتش دست -
پرورد و این الیزم آنرا تیره و تار و هئین
جمهوری اسلامی را به الترناتیه و وار فرمیتی
"مشورای ملی مقاومت" ترجیح داد و دست

تاریخ

بقیه از صفحه ۲

مجاهدین را در پوست کرد و گذاشت. روز
شمار انقلاب مجاهدین بیک امر کندی تبدیل
شد و شکست تاکتیکهای مجاهدین در
استراتژی، اید و الیزم تنگ نظرانه آنها
را در هم گوید. شورای ملی مقاومت که در
حقیقت همان "شورای ملی سرنگونی" را -
بدن می کشید نشود. امروزه از هر یک جریاب
بود و دست در شرا بیتی بنا کردید که زمینه
یاری برای سرنگونی بشود. بلانکیستی بهر
آند و پرولتاریا در حقیقت پرولتاریا بطور عام و
لیبرال بطور خاص مجاهدین حیانت کردند
زیر آنهوی که مجاهدین نسبت به پرولتاریا
داشتند. پرولتاریا از آنها بد است. وحدت
تاکتیک، مجاهدین با پرولتاریا و قربانی
"دشمن استراتژیک" پرولتاریا مجاهدین
شد برای همیشه به ترهات خرد و پرولتاریا
منشانه آنان - وحدت تاکتیک و دشمنی
استراتژیک - شناخته داد. حتی بنی صدر
لیبرال بود و آروسته آنرا که در مصاف سیاسی
با خمینی گاه از صحنه سیاست کنار رفته
در عرصه اقتصادی در کنار او باخوش گردند و
با آن عهد مودت بستند. در طول تمام
مدتی که بنی صدر در جریان بوده ادای -
آزاد خواهی و مگر اتیم را در می آورد، در
عقب صحنه بساط سرکوب جنش توده ای
را می چید.

پرولتاریا خوب میدانست که چگونه
باید اساس اید و الهامش را بر "مشقانی"
شورای ملی مقاومت طرح ریزی کند. چگونه
باید بنای "جمهوری دگر اتیک اسلامی" را
بر ریزی نماید و بجه طریق آنرا از زوایا
اید توتولیک بان اسلامیتی خمینی پاک
کند تا با مناسبترین شکل راه برای رشد
سرمایه باز شود، پرولتاریا به بند کشید و
شود و استشارت و هئین زحمتکش و هئین
تر از گذشته آد آمد باید. پس باید مقدم بر
هر چیز همه دستار د های انقلاب به بند
بیاوند. بان اسلامیت خمینی فعلاً بهترین
حجری این ترازی است. حتی هنوز هم
مجاهدین حرمت این را ندانند که از خود
پرسند بنی صدر "شرقی و مگر ات" -
آنها با خمینی "ارتجاعی" و دگر اتیج
بند بهای درون آن چه تفاوتی وجود
داشت. کفر کسی است که امروز نفهمید و
باشد که اگر جاتی بنی صدر علیه جنش
انقلابی توده هئین دشمنی آنرا با کمونیزم و
کشور های سوسیالیستی و اشتراکات سئیه
اخر الیزم حیاتی و برقرار مناسبات حسنه
یا آن تغییر اجتناب با اصطلاح حتمیه نباشد
کند تر نیست. آنها هئین می خواهند
بفهمند که "ارتجاع" بدین توده به ضمن
ضیقاتی و بنیاد اجتماعی آن امروز هئین
بهتر نیست. خلاصه اینکه گذشت در سال
آزسی خرد داد و در سهای عظیم و گرانبهای
به توده های مسود و مارکسیست

لنهنمنهای ایران آموخت.
درسی خرد داد. خرد و پرولتاریا از
عقب ماندگی نیروهای پرولتاریا استفاده
کرد و زمامد اربلا خارج میدان شد. اما در
همان حال بیکار و بگز تنزل و نالستواری
صوبه را در عرصه مبارزه و تکمین بر رهبری
پرولتاریا نشان داد. خرد و پرولتاریا بیکار
و بگز اصل مسلم و لاتر بد تاریخ را با حتمیات
روانید که اگر پرولتاریا قادر نباشد خسرده
پرولتاریا را تحت رهبری خود قرار دهد و
این نیرو همواره تحت رهبری پرولتاریا قرار
خواهد گرفت. روهه از هئین پس از نسبی
خرد و تمام ماهیت سیاسی خرد و
پرولتاریا بی اساس بود تا کمونیزم
بلانکیستی آنها را نشان داد. مگر اتی
تا بیکر آنان را بر ملا ساخت و نشان داد که
تنها طبقه ای که تاریخ و رسالت بهر جسام
روانند انقلاب را بر عهد او قرار داده -
است طبقه کارگر است. طبقه ای که استوار
و تنزل ناید بره پیشاپیش دگر طبقه است
لنهنمنی، علیه رژیم جمهوری اسلامی
بیکار میکند و انقلاب را به فرجام پرولتاریا
میرساند.

بازرات و... بقیه از صفحه ۱۳

دوشنبه نقدیم خلقهای ایران
بزرده است رفتاها هئین میانی و شمرام
میرانی از جمله رفقای هئین از سازمان بودند
که در خارج از کشور بدست جاقو کشان و
قداره بند اندریم بنیادت رسیدند و
آنها شان حاد را تری رژیم هئین جفا گاهی بنا
پوش به خوابگاه بسیار آهیمانی هئین...
د انتحویان مبارز ایرانی، سعی دارند تا
آنان را از فعالیت انقلابی باز دارند. اما
این نقصه و هشمانه تنها بهره لیون پرولتاریا
و ارتجانی رژیم را بیشتر نمایش می گذارد.
رژیم علاوه بر هئین و او اهلشان مزور به دیکر
شوده هئین جهت سرکوب د انتحویان
متوسل شده است از جمله تحت هئین توان
استخدام متخصصین ایرانی که در آهیمانه
فارغ التحصیل میشوند از دانشگاهها
خواست تا دانشجویان ایرانی را معرفی
کنند اید علاوه با قطار از تحصیل تعدد از
زیادی از دانشجویان انقلابی تلاش نموده تا
آنها را تحت فشار مالی قرار دهد اما اینهمه
آخرین تلاشهای مدیوانه رژیم است که
بهر حمله ای متوسل میشود تا نشاناید بیننده
صاحبی بر هئین تکمین خویش بفرزاید و هئین
کلیه فشار و تضییقات موجود و رفقای ما به
اشکال مختلف سازمان را از نظر مالی و
تدارکاتی باری میرسانند. بوجه در شرایط
کونی که بدلیل راهبیت صاف امنیت امکان
تاس منطبق با کلیه هئین از آن محروم نیست
ارزشمندی گنجهای مالی و تدارکاتی رفقا
بیشتر آشکار میشود. ما بر کلیه فعالیت های
انقلابی رفقا را می نسیم. بدین است که
رفقای تشکیلات خارج از کشور با ارائه
رهنمود های مشخص تره بر هئین و وسعت این
بازرات خواهند افزود.

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

بازرسی‌های

بقیه از صفحه ۱۸
شهری اری هم که با "موج التوتک نشینسی" و درگیری التوتک نشینان باغواطل انتظامی که "برای جلوگیری از ساختن خانه های غیرمجاز و تخریب از حد بوده ۲۰ ساله" اجزام شده اند، روبرو است، میگوید:
"ما باید نسبتیم با ملت همیشه در صحنه مان چریکوی داشته باشیم" (اطلاعات)

جمهوری اسلامی کشتار و کند، اساء در نگهش خواستناق و سرکوب در سرزنش در پیکانها در افعال جنایت و شکنجه داد سخن میدهد، آنجناب رسا که کزنی در قلمرو حکومتی اش، پرند و آزادی از بند رسته و نه زندانی هست و نه زندانبانی، نه شکنجه ای هست و نه شکنجه گری

جمهوری اسلامی که فقر و تنگدستی و بهره کشی کارگران و زحمتکشان راهمه روزه افزون تر میسازد، در حرف چنان خصمانه به چنگل شتر و تنندان بر تبه بدستان، حور اشتها سرمایه داران از کارگران متاثره کفری فقر و بندگی را نشانه کسن ساخته است. اما با تانی این سیاستهای ظاهر فریب و با تانی زمانت و وقاحتی که دارد، اما جناب بلاهتی در کارش هست و جیش انقلابی انقدر کج و وحشت زده اثر ساخته که فکر میکند با تکیه بر همان دروغها و ظاهر فریبی ها میتواند سیاستهایش را پیش ببرد و اوج در ماندگی بنم نهمین است.

روزم بر آسانی گمان کرده است که با سیر فرار دادن "شارالله" (!) میان خود و توده ها میتواند زندگی کند. بعد از کسری مردمی جلوه دادن خود از طریق نیروهای سرکوبگر و تنها از عقل ناقص و وابستگی برای رژیم چون جمهوری اسلامی سرمایه بد و لاغیر. اما غیر این هم راهی نیست. آخر او هم دریافته است که زندگی میان توده ها است. اما نمیداند و با همتا هم نمیتواند بداند که زندگی در توده ها چگونه است. خلق از این سیاستهایان بچشمندان به فقر و بندگی و ناآرامیها است.

آری زندگی در پیوند با توده ها در میان توده ها نیستن، باز زندگی انسان، زند و بودن و همراه آنها برای بهائی تلاش کردن است. زندگی واقعی آنجاست که توده ها هستند، در نیروی آنها و قدرت نسجم و یکپارچه آنان برای افزایش زندگی و شادمانی و آزادی برای زحمتکشان. اما آنکه پیوندی باز زندگی واقعی ندارد، آنکه حیاتش به مژگی بسته و هر لحظه ناقصوس مرکز راراستور، ششور، پر دربی پیوندی-

مجازی بروی آید برای تحقق این پیوند، بازه نیروی سرکوب شومل میشود، بسا این بند آرواهی که سرانجام خود را بر می بسایاند.

و این تصویر حقیقی رژیم جمهوری اسلامی است که نه این يك بار به این شیوه میخواهند حکومت اش را بر می جلوه دهند، که عدتهاست برای آنکه خود را امامی زحمتکشان و مورد حمایت توده ها نشان دهد، به انواع نیرنگها توسل جنسه است.

رفسنجانی، زمانی در نماز جمعه ها تلاش میکرد، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مردمی و ایران را دگرگون کند. ترسین کشورها و انور سازد، و شکنجی استعدلال میکرد که: "اگر این حیوات منافقین نبود، سوار بیگان قراضه میشدیم. خد اشاهد است پیوسته رنج مییم. به اینسیا (مخالفین سبائی) میگویم با با جان مارا کرده. اید اربامهر، بلد اید ما برویم تسوی مردم، اما میگویند ما وظیفه اریم. اینسیا میگویند اگر شما سوار این ماشنها (ماشین های ضد گلوله) نشوید فردا همه شماست و ریف میبرد پیش آقای بنشینسی" (گپهان ۱۷/۱۷/۶۱) و همین ترس از شهادت، اما جویزترین برای یاران و نیز ادعای مردمی بودن و در واقع همان حفظ جان از شتم و ظمیان توده ها را رفسنجانی به بیانی دیگر، اظهار میدارد: "ترویج راد رست کردند که رابطه ما را با مردم قطع کنند. اگر ترویج رستم نبود، مسئولین ما از رئیس جمهور گرفته تا همه افراد این منکنت توی مسجد ها، توی کارخانه ها، توی زندگی مردم، همانجور که بودند، بسا مردم بودند. این قسمت را آنها خراب کردند. يك حجاب مختصری گذاشتند و ناچار يك ضتی برای حفظ انقلاب، برای حفظ دستاوردهائی ماشنها ضد گلوله بنشینیم" (اطلاعات ۱/۸/۶۱)

پیش تر، رژیم ماشنها ضد گلوله و آبیولا نسجاو... در محاصره محافظین سپاه را برای حفظ دولت مردان و سران کافی تلقی میکرد و اکنون، با رشد مردم افزون جیش انقلابی کارگران و زحمتکشان، میخواهد از مردوان زد ۳ بدست خون، حصار بدهد و توده ها بکشد تا بحال هست خود شکوت مردمی "انرا (!)، صون و - سقوط ساند، ما برای تواناندن مردم به لا جوردی جلاد اوین شومل میشود که نعره سرد هد: "هر کس از فرمانها سرپیچی کند، اوین میزانش خواهد بود" و باه سخنرانی - هائی تهدید آمیز در کارخانه مبارک روز را که البته بعضی ترس با تفرق و استهزاء کارگران روبرو میشود. این نوع مردمی بودن رژیم لنجا بیشتر میمان میشود که حتی در خارج از کشور، وحشت از انقلابیون مخیالسی آسود، برای این حکام جنایتکار با تکیسی نیکد ارد و بعنوان مثال بهنگام شرکت در

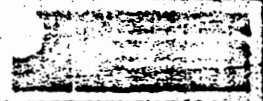
کفرانس غیر متعبد ها، می باید و پیشاپیش ماشنها ضد گلوله و نیروهای نظامی را - برای امتیقال هیت ایرانی به سرپوششی نخستوزیر "محبوب" در هند، به این کشور گسیل دارد.

اما رژیم که عمق شکاف میان خود و توده ها و ناگسست این پیوند را درک کرده و به نفوذ مردم افزون نیروهای انقلابی میان توده ها و خطر این نفوذ آگاهی یافته، باز به تلاش بد بو حان تقلیفات در زمین میروند - های کاتب سینکه انداخته که شاید شمشیر و کین توده ها را بخود گاهش در ده تا که شاید ساخته کردن مردمی بودن خطوط اما با رژیم سر نیزه مردمی در برابر جنبش توده ای، وجود آورد. رژیم که پیش از چهار سال افعال سیاستهای ضد کارگری و سرکوب و کشتار زحمتکشان، اکنون نابودی زندگی اش بدست توده های زحمتکش، هر اس بدلسنی افکند، و خود را آکا لا منوری ارتود، ها حسن میکند، سعی دارد بر این فاصله، بر این وحشت زندگی پرده افکند و انگیزه خاطر کند که ترا وحشت زندگی و حراش و بر سول حریف جزو مشرعی مد کوبه و شقی ما تناسو و خود تقار نمی، از کارگمایان است برنده فرما صلی شیم اند!

اما چه فریب می رنگی، نیروهای انقلابی آنها هستند که توده ها هستند. در میان آنها، همراه همگام با آنها در تلاش برای رهائی، نیروی انقلابی بخیر و توده ها است و توده ها محافظین نیروهای انقلابی. و رژیم از انقلاب توده ها است که وحشت کرده و تلاش میکند در پس تبلیغات و عوام فریبی بر محافظین اش بیفزاید. اما رژیم هم میداند سیاست ها و تبلیغاتش بی اثر است. از این رو است که صیبنیم خانه او به آینه حجابات مشهد میگوید: "تعداد تبلیغات خود با پستی امید و روشن نسبت به آینده این انقلاب و این جمهوری را بر مردم بسناسانید و مردم را امید وار کنید" (گپهان ۲۲/۳/۶۲) اما از سوزی در ماند و فریاد میزند: "این گروه حکما که نه حسینیه و نه هیاتی دارند، در میان جوانان ما و شعار فریب میدهند و آنها را متافق و کمونیست میکنند" پس از مرد و انرا ش خواهد: "شما باید در همه جا هوشتار باشید، در تاکسی ها در قهوه خانه ها، در کارگاه ها و در همه جا ارشاد اسلامی!! (و یاد رحمت تجس)، این تکلیف شومی را فراموش نکنید" (ملکوتی امام جمعه تبریز، گپهان ۴/۸/۶۱)

آری رژیم خطر راهه جانبیه احساس کرده، از نسوا اشکال مختلف چریکهای اختراعی توده ای و روبرو است مد آنکه در این جمع پایکامی ندارد و باید مرد و رانی برای خود تربیت کند، او خود صراحتا اعلام میکند که امکان پذیر نیست که از نیروهای آزاد جامعه، که با سخگویی نیازهای نباد کشی سپاه باشد، بقیه در صفحه ۱۶

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



یادداشت‌های سیاسی

بقیه از صفحه ۱۵

راتانین نباید و باید به تعلیم افراد مومن! و تخصص جادرت ورزید (حجت الاسلام دین پرور، عضو شورای عالی سپاه پاسداران - اطلاعات ۵/۵)

(۱۱) در سخنانی خطاب به اعضای کادر تعقیب و برایت اطلاعات سپاه پاسداران میگوید: "ما از صق خطر جریانات ضد انقلابی! و احزاب اطلاع داری، جریاناتی را بخوبی میشناسم و به میزان خطرانی که آنها میتوانند برای جمهوری اسلامی بیاورند واقفیم و بر این اساس مابرای شما ارزش بسیار قائلیم" (کیهان ۲۱/۲/۶۲)

و اما از روشی در ماندگی و ناتوانی از انجام و پیشبرد هرگونه سیاستی برای تثبیت وضع خود و نظام ضربه خورد، سرمایه داری، نشا آنجا که موسوی اردبیلی میگوید: "نه میتوانیم برنامه ریزیهای گذشته را کاملاً دنبال کنیم و نه میتوانیم برنامه هایمان را از نو شروع کنیم" اجازه نمیدهد، رژیم تعاضی مردمی - اش را که حتی بر نیروهای سرکوبش استوار نبود، تا به آخره اجرا را آورد.

زیر همان مزد برانی که خود به تیربستان هست گماشته که آشکار کنند و حقیقت نمایش در روغن اش است، نیز توانائی بازی نقش را از دست داده اند بطوریکه منتظری در دید ارباب محافظین رفسنجانی معجزه میکرد تا سپاهیان را دل داری دهد و میگوید: "حفاظت از شخصیت ها کار خطرناکی نیست نیت تان باشد ایاشد و کارتان را خوب انجام دهید. اکنون در مرحله ای هستیم که بایستی صورتی باشید، ناراحت نشوید" (کیهان ۱۶/۳/۶۲)

اما شدت استیصال رژیم را معجزه کرده آزموه را در باره بیازماید، حتی از تجربه باشکست مواجه شده مردمی نمایانند خود در باره مد رجوعید، اما باز شکست در باره ای خواهد بود رژیم حجتان درمانده در برابر حرکت توده ها و در انتظار پاسخی که پس چگونه توان مهارش هست؟ امیاء انتظاری هست. رژیم که برگ می آورند و سرسختانه در تلاش برای آنکه پیوند های کاذبی بوجود آورد، در برابر توده ها که سرود زندگی و پیوند های صمیمی خلق میکنند، توانائی مقابله نیست.

اینبار سردمداران رژیم با سیاسی - پرانزوخته تر توده ها از غضب و کین پرورند آن انزوختی که از آتش انقلاب شعله میکشد و بنیاد ستم را بر زمین افکند، سیمائی مطوع از نفرت از ستمگران و سرشار از امید به پیروزی انقلاب.

رهائی فرزندان خلق بدست قدرتمند توده ها، هوایه شمارمانی را در در لیا نشانید سعید، پس از قیام تئاتر مستند و کارگسری را بنیان نهاد. با نظریات پیشانی چون "عماس آقا، کارگران نامیرتال" و "حرکت برابریا لیس" هنر را با مبارزه طبقاتی در آمیخت. محمادی گرم رفیق و سرورش انقلابیست که در فضای صد آن آزادی، در گراید انت چهار فدائی خلق، فرزندان را در خلق ترکین، فدای ای توماج، ای توماج... راطنین افکن ساخته و نوبت تدایم مبارزه علیه ستم و سرکوب سرمایه را میدهد. از زبان هانخواهرت.

او در سرای زندگی انقلابی روحی دلیر و ورزنده و در تکاپوی مداوم بود. هرگز با سازش طلبی و خیانت به توده ها و هاروی آشتی نداشت. از آن هنگام که بروز نخستین نشانه های سازش طلبی جبران راست اکثریت و کمیته مرکزی به دفاع از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداخت، در برابر این سیاستها ایستاد و با تمام توان روزندگی خویش برای وسوسه کردن آن گوشید. در سخنرانیها و بحث ها، همواره بر مواضع انقلابی سازمان پای فشرد. او با شناساندن رفیق جهان در جنبه ۱۷ بهمن ۵۵، جهانی را با سرود و اثر به غلیان در آورد. جهان را، که يك جهان محنت بود، بسه جهان پر و تار و پاشناسانید.

اما، آسنگام که خبر جنایت مزدوران سرمایه و شیادان رفیق سعید سلطانپور بکوش جهانیان رسید، طوفانی در درون خلق ها و در سخاوت ادبی و آزار بیخواد جهان برپا ساخته. زیرا که شهادت رفیق همچون زندگی برایش مدد سیاسی داشت. شهادت او نهالهای خشم و تهن خلق را از خون آشنای رژیم جمهوری اسلامی باور تر نمود، و در عصر خونین همچون شمع سعید آن گویان بر تار و پاش خلق ستکس پکی در دست کارگرو داسی در دست پرزگر شد.

اکنون بایاد واره اش سوگندی مجد و باو میکنیم که چون فریاد خشم و خروش توده با دست توانای کارگران و زحمتکشان دوپ های سپاه جالبی و زخمی را بکشائیم و فرزندان انقلاب راهائی بدفیم. بنیان نظم سرمایه را درهم شکنیم و حکومت زحمتکشان را بی افکنیم، چراک:

بقیه در صفحه ۱۷

سعید سلطانپور

پهار ۱۳۲۰، همیار خون رفیق سعید شاهر، ورزنده و هنرمند فدائی، به بر روی سازمان کمونیست راه سپرد، و ستاره ای شقایق کون بر اختران سرخ و پریشان و بجم سازمان چیرکهای فدائی خلق ایران افزون گشت. رفیق سعید آنتیشتان خشمی بود در بران رکود جنش، در آن - تنگای جنایت و خون، که جامعه بختگان افتاده بود. و توده ها در انزوای خاموشی گسترده، در روزگار فقر و احتیاج، یاغیهای سرد تان گذران زندگی، مری تند ریجسی را تجربه میکردند. او با شناسنامه های آگاهانه اثر که هر باره سرود پرورش ساواک قرار میگرفت با انمارش همچون رودی - روان و هنرمند و خفنگان راه بهید آری دعوت میدود:

خفته در دلم
بسته در زنجیر
حلقه های زنجیرهای سرد سنگین است
پلک بکشا
خواب تنگین است
لطفه ها، با شوق آغاز تپای سبز رویند
لطفه ها، با انتظار انتقادی سرخ میرویند
جاسپه کبیا برنگین خداوندان شب را
بوسه میگاویند

بسته در زنجیر
خفته در دلم
آفتاب شهبوی آوازها باید
رفته های روشن را در طلیح شوق سرخ
ما بلسر زانند
باغ فردا در دل شبیابیت
حکم باید که رویه او حق آن گیاه نود

در سال ۴ به جرم سرودن اشعار آوازهای بند رفیق سعید خود به پیشد سپاه جالبی رژیم شاه گرفتار آمد و در آنجا نیز با سازمانش از شکنجه گاه ساواک محکوم و استوار قامت بر افراشت، و خشم و کین طبقاتی را با سرود ای رسا - اگر چه در شب شکنجه محسوس و زخون ریخته خویشید - در ای افروزم - که سفرش از جنبه اوین، از حلقه های تنگ اختناق در گذشت، بسوی رفته ها و کارخانه ها، در اشکها با وند آرس، با شاهر و همی فدائیان را بگوش خلق رسانید. با انقلابی جنبش، اولین شعارش سرشهای شمر سال ۵۷ زندانی سیاسی به آزاد باید گرد و از انقلاب توده يك سخن گفت شعاری که شعار خلق شدید و به برین شعار همه جا گستر میشد و بند زندانبار ادبی نوردید.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

حمید اشرف

بنده از صفحه ۱۸

زندگیشان پیوند دارد بود و از هر دو در هیچ
و فخر و محرومیت های سنگین زندگی و تجربه
می آید وقت و در در لاش نطفه هائی می بست
در دوران در بوستان در حالیکه کوله باری
سنگین از نوع مردمان فقیر و بیوزنه کارگران
داشت و شهرت جهانی چنین در اندیشه
- این کلام اغتراب برمی انگیزد و کردار
پرخاش های طبقاتی و سواکهای همسازان
آموزش کلاس و در پیرو بوستان را در هم
می پیچید و سرانجام راه به لغت های سیاسی
در انتحوری برده و تن مبارزات در آمد و
بکار بجهنم مناسبت از بوستان رانده

در سال ۲۲ به گروه جزئی پیوست
در دانشگاه و عنوان دانشمندی را اشکده
فنی و یکبارجه شور و حرکت انقلابی بود و از
رهبران مبارزات دانشجویی شد و بعد به
عضویت نیم کوه سعید کلاشتری درآمد و چون
رهبری و عضو و اعضای نیم زبوره های
ساواک گرفتند آمدند و در رهبری نیم قرار
گرفت و برقی استیم راه سازی کرد و مسئولیت
سازماندهی را بر دوش کشید. حمید پس از
ضربه های سالهای ۲۱ و ۲۰ در همسازان
بود. در ارتباط با رستاخیز سیا هگل نیز ضمن
کار در زمینه شناسائی و آموزش در جنبش های
شکلی مسئولیت ارتباط نیم های شهر و کوه
را بر عهده داشت. رفیق کبیر حمید اشرف

سازمانگری ورزید بود که در همین حال خلعت
- ها و قابلیت های انقلابی اش به بهترین
نحوی در خدمت جنبش ترار می گرفت. او در
روزیم ستم شاهان برای مبارزان اسلحه شده
با بهترین شگرف تا کبیری و توان پر شکوه
تصمیم گیری و قاطعیت در بخشان انقلابی اش
چهارده بار داخل محاصره دشمن را شکافت و
مزدوران رژیم شاه را کج و گول بر جای نهاد

رفیق حمید به تجربه وصل ایمان
داشت و در این راه دشوار از اشتباه
بی هراس بود، او میگفت:
هرگز بدین تجربه وصل در ارتکاب
اشتها ها نتوانستیم رشد کنیم. تاریخ
تمام انقلابات نشان میدهد که چگونه
جنبش ها افتخیز بسیار داشتند و فاجده حمید
در تک اشتباهات کوچک و بزرگ شده و
آسیبهای بزرگ برده اند ولی پس از سرور
شکستها با بهره گیری از عذاب و نطفه آن جدید
بر سر ابرخاسته اند

رفیق کبیر حمید اشرف با همزمانش رفقا
پهروز ارضائی و حمید موسی حمید ها پس
بیکری بیشتر بلقت کار در کارخانه هوا
ایجاد پیوند تنگاتنگ با کارگران رابط شرح
روخته که هر چند برای کشور و آن به
بن بست کشید ولی تاثیرات طبقاتی آن پس
از قیام تبلور خود را بدید کرد
رفیق حمید این روزه و ستاره خونین
در همسازان مبارز بر سر نهاد و واقعیتها
سازمان میداد و میگفت:

طرح يك اید و يك آرزو هر قدر هم که
درست باشد، هر قدر هم که ضروری تشخیص
دارد، خود به خود ارتباط با امکانات ملی
سازمان جنبشی حاصلی است. پس از شرح
شدن يك اید و سیاست اشوب مناسب و
عملی برای اجرای آن ارائه کرد و گرفته طرح
اید و هایدون ارائه اسلوب عملی گسار
بیفایده است.

رفیق فدائی کبیر روزه ای شکوفا
بود و در لحظه های بحرانی خونش سرد
انقلابی اش را از دست نداد. رفیق حمید
سازمانگری توانا و همی مقتدر بود. ضرورت
انتباط انقلابی و تشکیلات و ادراک و پیروزم
پیوند با طبقه را حس کرده بود. اما اینکه
جنبش کمونیستی ایران رفیق را بیشتر منک
پراکنش انقلابی مناسبت به تاکید با پس
داشته شود که علیه وجود پاره ای -
انحرافات که به انتقادات ضعف های
گذشته سازمان بر میگردد در ضمن نقشی پس
همی درست گیری سازمان سوی طبقه
کارکرد است.

بالاخره رفیق حمید در دوره خود در
طریک درگیری مسلحانه بنیادت رسید
اما استواری و مقاومت و قاطعیت و اراده
تیزبینی در تاکتیکهای ایمانش به اوسان
کمونیسم و تجربیات و آموزشهای در زمینه
سازمانگری و شهری و سیاست در خدمت
جنبش طبقه کارگر و برای همه مبارزان و
کمونیستهای انقلابی باید ابروی بود این
مانده است.

سعید ...
بنده از صفحه ۱۶

.....
حسابی شمارم و مثل پرچمهای گل
در باد های تمییزی رویشم
و می روانم
مایی شمارم و هر جبارستان را ببرد
سرودی خوانم
زیانتان را ببرد
پسای می گویم
بایمان را بشکند
سینه خیزی رویم
ما صبریم و از راه نمی مانیم
دم به دم بچه میزنیم
شور میزنیم
چرا که زندگی را دوست داریم
نام تو يك واقعت است
سعید، شاعر خلق
سعید، شاعر کمونیست
سعید، شاعر فدائی

کبکهای مائی دریانت شده	
مقاومت ۳	۱۵۰۰۰
روستای نولال	۱۰۰۰۰
شهاد ای کند	۵۰۰۰
شهاد ای مجاهد	۵۰۰۰
هند پیمان	۵۰۰۰
چ - ر اسکندر	۵۰۰۰
آشمن	۷۰۰۰
وسید	۷۰۰۰
قدرت مددی	۲۰۰۰
مقاومت ۴	۱۵۰۰۰
پروناک	۲۳۰۰
تاک عباس	۳۰۰۰
تسریمز	۳۰۰۰
راندند آ	۲۰۰۰
راندند تاکسی	۲۰۰۰
تبران - سعید	۲۰۰۰
بدون کد	۲۰۰۰
بدون کد	۵۰۰
رفیق سینا	۲۰۰۰
سلطانپور	۳۵۰۰

سهیل	۵۰۰
رفیق هواد ارکن	۲۰۰
ن - ۳۲	۲۰۰۰۰
آلف ۱۳۲۵	۱۵۰۰۰
۲ بجهن	۱۰۰۰۰
آلف ۱۳۲۵	۱۶۰۰۰
۱۳۲۴ - ۲	۱۳۰۰۰
لقمان	۱۰۰۰
رفیق لقمان	۵۰۰۰۰
مستر شانهچی	۱۵۰۰۰
علی نودری	۵۰۰۰
روستای نولال	۱۶۰۰۰
فرید	۷۰۰۰
۱۸۴ - ۴	۱۵۰۰۰

توکلی امدان	۲۰۰۰۰۰
کون پاپس	۱۲۰۰۰
رفقای انزلی	۳۲۰۰
رفقای انزلی	۳۲۰۰

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردند

یادداشت‌های سیاسی

موسوی اردبیلی خطاب به اعضای واحد گشت تارالله: شما باید از تعداد اصنافین شخصیت‌ها که کنید و تعداد ارتش‌های کینه و سپاه رانان که دست‌نویسین را کمتر بتوانند با مردم تماس بگیرند و این فاصله ای که بوجود آمده از بین برود. (کمیابان ۲۱/۲۱)

۱۶۲ / رژیم به بازگویی نقش و نمایش خیالی دست زد که پیوندی با تاسیس واقعی هس روزی که صحنه اش خیابان است ندارد و ارائه تصویری مجازی از یکاگر با مردم و نشانه استعمال رژیم است که از سرباز در ماندگی به هذیان کوشی و از شدت بیگانگی پاتوره هایه نوس و لرزیدن آنتی دچار گشته که سعی میکند به نظری برود بر این هراسن هول انگیزش بکشد که جایز نباشد پس از زد شود.

رژیم جمهوری اسلامی و برای لحظه ای بیشتر حکم راندن بر مردم می‌بخشد آمد از سنگربها، تحمیل دوسال حکومت نظامی، بهره گیری از گشت‌های عینی در لباس تارالله، جند الله، و با محوریت حنفی در ماشین‌های با شماره وین شماره با ظاهری "حزب اللیبی"، "طلونوی" و "خلفی" بارین وین ریش در هر کوی و محله استفاد از کینه جی و بسیجی و عناصر ساواکی برای شناسایی و زیر نظر گرفتن هر حرکت توده‌ها، کمونیست‌ها و سایر انقلابیون و در هر محله و کارخانه و صرف ملبارد هاتومان برای خرید ماشین‌های ضد گلوله و انواع سلاح‌ها و تسلیحات تا این حقوق‌های کلان این مزدوران راهنیز کافی ندانسته هر روز تلاش میکنند به نحوی بر تعداد نیروهای سرکوبگرتر بهفزاید، که اینبار به بهانه تماس با مردم توسط جسته است.

رژیم جمهوری اسلامی و با تاسیس شاهنشاهی رضای با هر رژیم سرمایه داری در سرکوب و کشتار و فریب توده‌های زحمتکش امام و بیگانه‌های خاص خود اد ارد. رژیم جمهوری اسلامی آن سان دروغ - مزبورند در همان دروغ، حقیقت را برملا میند، که صبر به مردم همیشه در میخانه میگوید: "مخوفسارش و توصیه و تذکرو استعدا از مردم و حضور در صحنه را میخواهیم

(کمیابان ۲۱/۲۱) ۱۶۲ در صفحه ۱۵

پینک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگر



گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق کبیر حمیده اشرف

از همان ابتدا، با فرزندان پتم زنی کارگری و سوزن بان راه آهن میجوشید، در کلاس و در محیط مدرسه و در محلات پسر به چشم و نظیر نشین تیره ز زندگی اش را به زندگی فرزندان بقیه در صفحه ۱۲

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق بهروز دهقانی

و اجتهاد (مجموعه مقاله و نقد بررسی) بود. می‌توان یاد کرد، رفیق سید، در روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ در محله سعادت از راه و رفیق بهروز دهقانی ضمن درگیری مسلحانه با پلیس دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های تیرین شکنجه‌های آنکه کلامی بر لب آورد، در روز ۲۵ خرداد ۵۷ فدائی و ارشادات رسید.

رفیق سید کارگر و دبیر سند پیکارگران فلز کار و مائیک - از نخستین اعضای سازمان در محله تانه سعادت، رفیق سید، حاضر در صحنه مبارزه و در وقت وفات پیمان و بیرون رفتن بی شهادت رسیدند) فرمانده نیم بود و هر اندر روز در حال کورس خانه نمی‌در بر آمد و در هر مکان اسباب کشی در صحنه ساوان و پلیس قرار گرفت و در درگیری شهادت رسید.

گرامی یاد خاطره شاعر و زنده و هنرمند خلق فدائی شهید رفیق سعید سلطانیور

مردم سید و دیگری است تا خونم بر جسم سرخ کارگران باشد در انقلاب روشن سرد

آخرین روز بقیه در صفحه ۱۶

۱۳۱۸ در روز ۲۵ شهریور در یک خانه بود فقیر کارگری متولد شد و تا مدت‌ها در کار و در بد و در بد و در بد کردن چاه کارگری مشغول بود و سپس به معلمی روی آورد و مدتی نیز به نویسندگی و ترجمه پرداخت، از نوشته‌های او میتوان از گزارش‌های درباره روستاهای کردریایجان (به اتفاق رفیق حمید بهرشی) گزارش‌های درباره روستاهای قره‌باغ و افسانه‌های ایتالیایی رفته ماکسیم گورکی (ترجمه) زندگی و آثار رفیق اشرفی (تالیف و ترجمه) افسانه‌های ایتالیایی (گردآوری - بهرزه رفیق حمید بهرشی) و در شناخت ادبیات

گرامی یاد خاطره فدائی شهید

رفیق اسکندر صادقی نژاد

